

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# قصه‌ای درباره سقوط اندلس

وانعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران

تبارشناسی طرح مساله اندلس در کتابهای فارسی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۶ خورشیدی

رسول جعفریان

زمستان ۱۳۹۶

قصه‌ای درباره سقوط اندلس  
و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران  
تبار شناسی طرح مسأله اندلس در کتابهای فارسی

از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۶ خورشیدی

رسول جعفریان (استاد دانشگاه تهران)

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۹۶

۰۲۵۳۷۷۳۱۳۵۵

تیراژ: ۱۰

## فهرست مطالب

۱۲.....	انعکاس داستان غادة الاندلس در ايران.....
۱۲.....	۱. غروب آفتاب در اندلس.....
۱۶.....	۲. سرزمین خاطره‌ها.....
۱۷.....	۳. مرتضی مطهری.....
۱۸.....	۴. علل سقوط حکومت مسلمین در اسپانیا / محمدرضا شریعتی.....
۲۰.....	۵. هاشمی نژاد در مناظره و پیر.....
۲۰.....	۶. خواسته‌های بشر.....
۲۳.....	۷. میرزا علی آقای مقدس خیابانی.....
۲۴.....	۸. تفسیر نمونه.....
۲۵.....	۹. فتح و سقوط اندلس.....
۲۷.....	۱۰. مجله مشکوة مقاله اسلام در اسپانیا.....
۲۹.....	۱۱. پیام‌های آسمان، پایه نهم، اول متوسطه.....
۳۰.....	۱۲. علی اکبر ولایتی و تکرار مطالب دیگران در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی.....
۳۳.....	۱۳. وبسایت ادیان نیوز: «پشت پرده نابودی مسلمین اندلس با اشاعه فساد».....
۳۹.....	۱۴. اندلسی کردن ایران.....
۴۱.....	۱۵. عبرت‌های اندلس در خبرگزاری فارس (۱۳۹۰ / ۵ / ۵).....
۴۴.....	۱۶. سایت تبیان: داستان تلخ اندلس اسلامی دیروز و اسپانیای مسیحی امروز.....
۴۶.....	۱۷. وبسایت بشارت: قصه پر غصه آندلس، عبرتی برای ایران امروز.....
۵۶.....	۱۸. عوامل شکست اندلس (پرسش و پاسخ) (روزنامه کیهان).....
۶۰.....	۱۹. خبرگزاری مهر و داستان فساد در اندلس برای براندازی حکومت مسلمانان.....
۶۲.....	۲۰. مستند طلوع و غروب اندلس.....
۶۵.....	۲۱. کودکی از اندلس، از مقوله‌ای دیگر.....
۶۷.....	دو نکته.....
۶۷.....	علل واقعی سقوط اندلس.....
۶۸.....	«و تذکرو من الاندلس الابداه» یک اثر تاریخی - داستانی دیگر در باره اندلس.....



## بسم الله الرحمن الرحيم

تبدیل شدن حکایت به تاریخ فراوان رخ می‌دهد و در پی آن آثاری از خود برجای می‌گذارد که گاه بسیار جالب و جذاب و در عین حال اسباب عبرت است. این تجربه را بیشتر برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه تاریخ بیان می‌کنم، اما از آنجا که به ادبیات دینی معاصر ما، مباحث تمدنی و به خصوص آنچه از آن در انقلاب مطرح شد، مربوط است، مطمئن هستم برای عموم علاقمندان هم جذاب خواهد بود. امیدوارم با آن به مثابه یک نظریه برخورد شده و اگر جای نقد دارد، این بنده خدا را راهنمایی کنند.

مطلبی که امروز خواهم کرد، نمونه‌ای است از این که چطور و چگونه یک حکایت و داستان، تبدیل به تاریخ شده و مورد استناد قرار می‌گیرد. باید عرض کنم که این اتفاق فراوان می‌افتد، گاه عمدی و گاه سهوی. اما در هر حال برای این تبدیل بستری لازم است که اگر فراهم باشد به راحتی این دگرگونی صورت گرفته و یک داستان ساختگی، تبدیل به یک حقیقت تاریخی شده و به تدریج، استناد به آن از میان داستانسرایان عبور کرده، به میان افرادی که قدری بالاتر از این سطح قرار دارند از نویسندگان و حتی پژوهشگران که حوزه کارشان موضوع دیگری است اما از اینها به عنوان اصول موضوعه استفاده می‌کنند، نفوذ می‌کند. این اتفاق در بسیاری از ملل می‌افتد و نمونه‌های فراوان دارد. اما در میان آنها، قصه‌هایی که با انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی خاصی ساخته می‌شود، نیازمند بررسی بیشتر است.

اینها در یک دوره مورد استفاده قرار می‌گیرند و اغلب منشأ تغییراتی می‌شوند که جالب توجه است.

این داستانها (مانند ماجرای مستر همفر) اغلب با اهداف خاصی ساخته می‌شوند، اما وقتی نیاز به آنها در عمق جامعه و شرایط درگیر با آن وجود داشته باشد، تردیدی در صحت و درستی آن صورت نمی‌گیرد. در اینجا قصد دارم یک نمونه را بررسی کنیم. طبیعی است که این مطالب در حد شواهدی است که بیان خواهد شد.

زمانی که با حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ - ۱۸۰۱ میلادی پای اروپائیان به مصر رسید، تصرف در این دیار توسط اروپایی‌ها آغاز شد. این تصرف، روندی تدریجی داشت و چنان که روشن است با دخالت‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی زمینه ادامه این تصرف و نفوذ فراهم گردید. طی سده نوزدهم، حضور فرنگیان در مصر تغییرات زیادی را ایجاد کرد. مدارس و تربیت شاگردان جدید، رواج فرنگی مآبی، تغییرات تمدنی و بسیاری از مسائل، نیز اعطای برخی از آزادی‌های مذهبی و مسائل دیگر، زمینه را برای تغییر فراهم کرد. دانشجویانی هم به پاریس رفتند و با تحصیلات تازه به مصر بازگشتند. بسیاری از مسلمانان در این زمینه احساس خطر کرده و به مبارزه فکری با غرب پرداختند، اما تغییرات در حال انجام بود.

در این وقت، پزشکی با نام عبدالرحمن اسماعیل تلاش کرد ماجرای این تصرف را با آنچه که در اواخر قرن پانزدهم میلادی (یعنی سقوط گرانا‌دا یا همان قرطبه که آخرین امیرنشین مسلمان در اندلس در اول ژانویه سال ۱۴۹۲ م بود) بر سر اندلس یا همان اسپانیا آمده بود، در یک داستان بیان کند تا بتواند مردم را تحت تاثیر قرار داده و آگاه کند.



۹ قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران

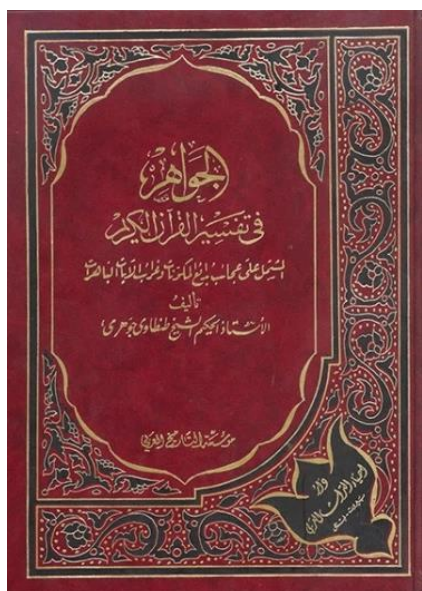
کتاب غادة الاندلس اثر عبدالرحمن اسماعیل (م ۱۳۱۵ق / ۱۸۹۷) همان کتاب داستانی است. عبدالرحمن پزشکی در قاهره بود که در جوانی و در سن سی سالگی درگذشت. وی علاوه بر چند کتاب در پزشکی عمومی، چون ادیب و شاعر بود، رمان هم می‌نوشت.

این زمان، تصور می‌شد که سرنوشت مصر و بلاد اسلامی مانند وضعیتی است که اندلس داشت. این داستان نیز بیانگر آن بود که چطور غربی‌ها اندلس را از چنگ مسلمانان درآوردند. زرکلی (الاعلام، ج ۳، ص ۲۹۹) اشاره به شرح حال این عبدالرحمن کرده و در شمار تالیفات وی «غادة الاندلس» را آورده و آن را کتابی «قصه» و داستانی وصف کرده است.



تابلوی تسلیم گرانادا به صلیبان

سالها بعد یک مفسر مصری با نام طنطاوی جوهری (م ۱۹۴۰) صاحب تفسیر جواهر، ذیل یکی از آیات سوره احقاف، خلاصه‌ای از کتاب غادة الاندلس را در چندین مورد آورده، بدون آنکه اشاره کند که این یک داستان است. (تفسیر الجواهر،



ج ۲۱، ص ۱۹۷ (از چاپ اول، ۲۱/۱۸۰ - ۱۸۳). نویسنده، به روشنی به نصیحت مسلمانان پرداخته، آنان را از رفتن به رستورانهای خارجی‌ها و مدارس آنان نهی کرده و سپس به سراغ اندلس رفته و شرح حکایت را می‌آورد.

طنطاوی در تفسیر جواهر در آغاز این حکایت نوشت: «فانظر ما جاء فی کتاب غادة الاندلس المؤلف حدیثاً فی عصرنا، و هذا ملخص مما فیہ». سپس خلاصه‌ای از

آن کتاب را که نسبتاً مفصل هم هست، در کتاب الجواهر درج کرده است. وی در مجلد ۱۸، صفحه ۷۰ نیز باز به این کتاب اشاره دارد:

۷۰ \_\_\_\_\_ سورة الصافات

على المسلمين في الجزيرة. اقرأ هذا الموضوع في غادة الأندلس. وصار الشاب يلبس الحرير ويتختم بالذهب واستدانوا من الفرنجة بالربا، وشربوا الخمر نهائراً جهاراً، وذموا العرب وأخلاق العرب وتاريخ العرب، وعكفوا على الشعر وتركوا الصلاة واتبعوا الشهوات فلقوا غياً.

هنالك ذهبت الحمية وافترقوا شيعاً وذاق بعضهم بأس بعض، وتفرقوا عشرين دولة وهم صاغرون، ثم هلكوا، ومن بقي منهم تنصر، ومنهم من غرق، ومنهم من طرد إلى فرنسا، ومنهم من سار إلى بلاد مراكش وما والاها. والله الأمر من قبل ومن بعد.

وهذه النظرية التي فعلوها في الأندلس هاهم أولاء يفعلونها في بلاد الإسلام الآن، فانظر كيف ضحكوا على أذقاننا وأدخلوا السم بلادنا جرياً على أخلاق المسيح الدجال. دخلوا متظاهرين باسم رقينا وإسعادنا، ودسوا السم في الدسم. فأما المتعلمون منا فعلوهم قشور وفضلات، والدليل على ذلك أنهم لا يعرفون من علومهم إلا أن ينطقوا بالفرنسية مثلاً أو الإنجليزية. ويظن أكثرهم أنهم بسبب هاتين اللغتين أو بعض العلوم الأدبية قد ألما بعلوم الغربيين، وجعلوا أنهم أصبحوا مغمورين في

١٩٨  
ثانياً: إن الذي جرى لأمرء الأندلس هو الذي جرى للملك العباسيين في الشرق، فانظر ما جاء في كتاب «غادة الأندلس» المؤلف حديثاً في عصرنا، وهذا ملخص مما فيه:

ذلك أن القائد «براقاً» قابل الأذفونش في روما في الفاتيكان، وجاء أيضاً معهما دوق فينيزيا، فقال له ابن أذفونش: أعلم أيها البطل أن البابا قد استدعى بارونات أوروبا وشاورهم في استرجاع مملكة إسبانيا من العرب، فلتكن مساعداً لنا. فقال براقاً: إن الأسد لا يصاد إلا بالمكر والحديعة، وقد يستعين الصيادون بالخمر، ولا يقل الحديد إلا الحديد. فقال دوق فينيزيا: إن جيوش البارونات تسحقهم سحقاً في أقل من ملح البصر. فقال البراق: إن العرب يحافظون على دينهم وعلى حريمهم، ولقد تغنى القبيلة كلها محافظة على الشرف، ولكن هم قوم كرام صادقون يابون الكذب، فهم يخدعون بسهولة بالظواهر الموهبة، فاجعلوا بينكم وبينهم معاهدة على حرية الدين والتعليم والتجارة، فهذه تفتح لرهباتكم طريقاً بها يثون التعاليم بين أطفالهم، فإن لم يتبعوا دينكم فهم على الأقل يهملون دينهم، فيفقدون تلك الحمية الدينية التي تحببهم في الحرب، فأما حرية التعليم فإنها تولد لهم غلمان شرم عليهم، لأنهم يكونون مشغولين بحب معلمهم، ويتعدون عن محبة وطنهم، فأما حرية التجارة فهي التي تضعض شيئاً فشيئاً تمسكهم بأزيائهم فضلاً عن تجارة الخمر، فهي الآن محرمة، فمتى شاعت بينهم أقدموا على المنكرات بلا مبالاة، وفقدوا النخوة والشرف، وضعفت منهم العقول والجسوم، وفشا بينهم الشر، وساءت حالهم، وارتبكت شؤونهم، فيساقون كالأغنام، ولا تنس يا حضرة الدوق أن التأنق في النعمة، والبذخ، والإسراف في الشهوات، وإهمال سير الآباء والجدود من أقوى أسباب انحطاط الممالك القوية.

فلمعت أسرة ابن أذفونش بعد أن كان يلوح عليه اليأس. وشكر براقاً على إخلاصه. وفي

٨٥  
تفسير سورة الواقعة

وهل أتاكم نبأ أهل الأندلس قديماً؟ وقد يشس بابا روما ودوق فينيزيا وبارونات أوروبا من إخضاع الأمة العربية إذ ذاك، وكيف أشار عليهم «براق بن عمار» بأن يعقدوا معاهدة لحرية التجارة والتعليم والدين حتى يتاح لشبانهم شرب الخمر والتمتع بلذات الحياة، فتقل الحمية والنخوة والمروءة، وبذلك يخضعون ثم يطردون، وما وصلت تلك المعاهدة إلى مالك بن عباد بقرطبة وقد فرغ من تحصين مدائنه وقلاعه حتى أرسلها للأمرء فأقروها ولم يكذب يجهف مدادها حتى أسسوا أربع مدارس كبرى على نفقة دوق فينيزيا وصار عدد المبشرين بالأندلس ألفاً، وعدد المعلمين بالمدارس التي أنفق عليها البابا ٤٥ وأنفق البابا من خزائنه لترويج الخمر خمسمائة ألف «فلورين»، راجع كتاب «غادة الأندلس»:

- (١) هنالك شرب الشبان الخمر جهاراً نهاراً.
- (٢) وخلعوا رداء الحياة والحشمة.
- (٣) وحرقوا عوائد آباءهم ودولهم.
- (٤) ولبسوا الحرير ونبدوا الصوف والشعر.
- (٥) وأهملت تعاليم البلاد.

وكانت نتيجة ذلك ما تعرفون أيها الشبان مما فعله فرديناند وزوجته إيزابيلا، وهو طرد العرب من تلك البلاد أجمعين أكتعين أبصعين.

اساس این حکایت این بود که اروپائیان از طریق یک مسلمان فاسد، توانستند در اندلس نفوذ کرده با ایجاد روابط تجاری و اقتصادی، ساختن مدارس، ایجاد تفرجگاه‌ها و باغ‌های ملی و رواج مشروب خواری و میخواری و گسترش بی‌حجابی، مسلمانان اندلس را فاسد کرده و آنجا را تصرف کنند.

این پرسش مهمی بود که مسلمانان در مصر با آنان روبرو بودند. اما طبیعی بود که این مشکل برای بسیاری از بلاد دیگر اسلامی از جمله ایران هم مطرح بود. بنابراین طبیعی بود که این حکایت به نوعی بستر لازم را در ایران هم داشت.

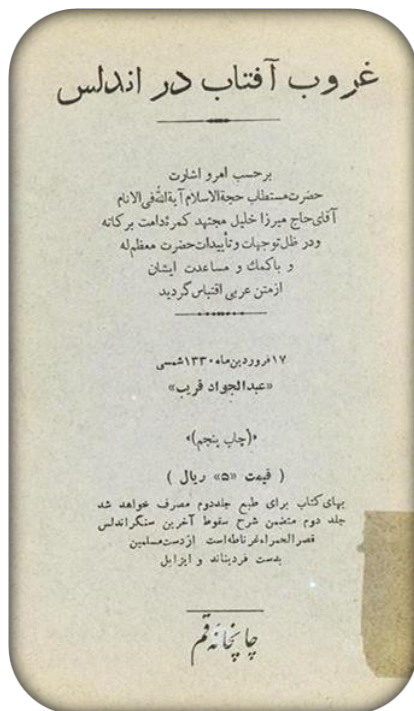
دو سوال مهم مطرح بود. اندلس چطور از دست رفت؟ و نکته دیگر اینکه اندلس توسط اروپایی‌ها از دست رفته بود، آنها از چه ابزار و روشی استفاده کرده بودند؟ همین فساد اخلاق که برای مسلمانان بسیار هم اهمیت داشت و در ظاهر یکی از تفاوت‌های عمده آنان با غربی‌های ولنگار بود، می‌توانست پاسخ پرسش آنها باشد. در فهم مسلمانان به آسانی این نکته مطرح شد که غربی‌ها فحشا و فساد را می‌آورند تا آنها را از زندگی کردن انداخته و کشورشان را غارت کنند.

### انعکاس داستان غادة الاندلس در ایران

#### ۱. غروب آفتاب در اندلس

در سال ۱۳۳۰ ش کتابچه‌ای در قم با عنوان «غروب آفتاب در اندلس» انتشار یافت. نویسنده آن عبدالجواد قریب بود و روی جلد نوشته شده بود که این اثر بر حسب امر و اشارت و کمک میرزا خلیل مجتهد کمره‌ای ترجمه شده است.

کتاب تا صفحه ۶ مقدمه‌ای درباره اندلس بود و در پایان مقدمه گفته شده بود که متن از تفسیر الجواهر طنطاوی مجلد ۲۱، صص ۱۸۰ - ۱۸۳ ترجمه شده است. از صفحه ۶۶ تا آخر این کتابچه - یعنی صفحه ۲۱ - ترجمه همان متن است. البته، در



متن فارسی گفته نشده است که نویسنده این مطلب را از کجا آورده اما چنان که گذشت، طنطاوی منبع خود را همان کتاب غادة الاندلس دانسته است.

بدین ترتیب یک کتاب داستانی، آن هم از یک پزشک سی ساله، همان متنی است که طنطاوی در تفسیر جواهر آورده، در سال ۱۳۳۰ به فارسی درآمده است.

داستان کتاب به این شرح است که چگونه مسیحیان توانستند اندلس را از دست مسلمانان بگیرند.

خلاصه این حکایت این است که یک

سردار عرب خائن با نام براق بن عمار، با ایلدفونس در واتیکان ملاقات می‌کند و مقدمات سقوط اندلس با برنامه ریزی اینها فراهم می‌شود. در آنجا سه راه برای نابود کردن حکومت مسلمانان در اندلس به وی یاد می‌دهد.

یک رواج آزادی دین؛

دوم فتح باب تجارت و بازرگانی؛

سوم آزادی تعلیمات و آموزش‌ها.

این مسلمان فاسد، به آنان توضیح می‌دهد که از طریق تجارت و بازرگانی می‌توانند با مسلمانان درآمیزند، خصوصیات ملی و مذهبی را از آنها بگیرند و مسکرات را رواج داده، شرم و حیا را با شیوع فحشا از آنان بگیرند.

می‌دانیم اینها اموری است که مربوط به عصر جدید است و داستان نویس برای

اینکه نشان دهد استعمار از این طریق می‌آید، اینها را به عمق تاریخ، یعنی زمان سقوط اندلس در قرن نهم هجری برده است.

به نظر براق، اگر مسیحیان این سه کار را انجام دهند، اندلس از چنگ مسلمانان در خواهد آمد، اما به عکس آنها هیچ گاه به زور نخواهند توانست اندلس را از مسلمانان بگیرند.

در این داستان، آمده است که پس از توضیحات آن مسلمان فاسد، مسیحیان در این باره انجمنی بزرگ تشکیل دادند. مسیحیان ضمن قرارداد صلحی، زمینه نفوذ در اندلس را فراهم می‌کنند و بدین ترتیب نفوذ در سرزمین مسلمانان را آغاز کردند. به بهانه صلح، جشن‌هایی برگزار می‌شود و در این جشنها همه به خوشگذرانی می‌پردازند. به نظر این داستان نویس، این مقدمه «سقوط و انحطاط دولت اسلامی در اندلس» است.

مبلغین مسیحی وارد اندلس شده، در کنار رودخانه قرطبه عمارت زیبایی ساخته شد، گردشگاه‌هایی درست شد و زمینه عیاشی و تفریح برای امرای مسلمان و جوانان آنان فراهم می‌شود. همچنین مدارسی برای تحصیل بچه‌های مسلمان ایجاد شد و هزینه آنها هم پرداخت شد [در اینجا مترجم اشاره به آغاز به کار مدارس امریکایی در ایران کرده است].

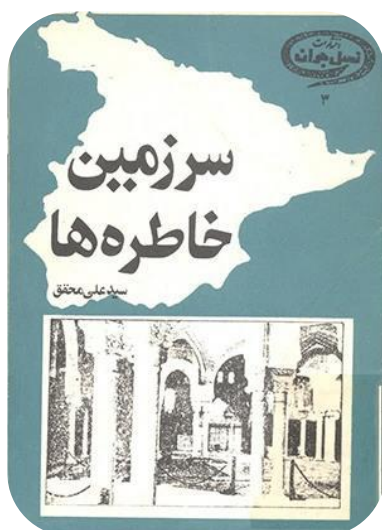
اما با شروع تجارت آزاد فروش مسکرات و مشروبات در اندلس آغاز شد. «کشیشی که شراب قرطبه را به جوانان مسلمان تخصیص می‌دهد»؛ این عنوانی است که در ص ۱۳ آمده، و ضمن آن از فاسد کردن جوانان با رواج میخوارگی سخن به میان آمده است. دختران نصرانی هم که توسط کشیشان مسیحی استخدام شده بودند، کار رواج فحشا را بر عهده می‌گیرند. بدین ترتیب خوشگذرانی و عیاشی به قدری شیوع یافت که درآمد مردم کفاف آن را نمی‌داد. در وقت بود که شروع به

اختلاس و دزدی از بیت المال کرده و به تدریج همه چیز رو به فساد رفت. «در این هنگام تعداد مبلغین و کشیشهای مسیحی در اندلس به هزار نفر و شماره معلمین مدارس سی که پاپ مخارج آن و آنان را می‌پرداخت به ۴۸۵ نفر رسیده بود! و نیز پاپ از خزانه شخصی خود برای ترویج میخوارگی میان مسلمانان اندلس، سالی یک هزار فلوربن می‌داد». (ص ۱۶) [در اینجا از سال ۴۸۶ / ۱۰۹۴م) یاد شده که اساساً معلوم نیست چه ربطی به زمان سقوط دارد که چهار قرن پس از آن اتفاق افتاده است. سقوط گرانا در سال ۱۴۵۲ میلادی رخ داد و مسلمانان برای همیشه از اندلس رفتند.

و اما به طور کلی باید توجه داشت که بحث از اندلس و آنچه بر سر آن آمد، در آغاز عصر جدید مسلمانان که متوجه تمدن گذشته خود شدند، بسیار دردناک عبرت آمیز می‌نمود. بنابر این طبیعی بود که به دلایل مختلف به آن توجه کنند و درباره آن بنویسند. (به عنوان نمونه، آقای مطهری بارها از این مسأله نالیده و اظهار ناراحتی کرده است). اما یک زاویه مهم این بود که باید از آن عبرت گرفت. بنابراین ذهنیت کاملاً آماده وجود داشت تا مقایسه‌ای میان اندلس و اتفاقاتی که در آغاز عصر جدید برای بلاد اسلامی و داستان استعمار می‌افتاد، برقرار شود.

در دوره معاصر و در آغاز عصر تسلط غرب که اول بار در مصر مطرح شد، افراد را به یاد آن دوره انداخت و تصور بر این بود که این قضیه تکرار شده و مصر هم از دست خواهد رفت. بنابراین سوژه جالبی برای بررسی بود، سوژه‌ای که نویسنده غادة الاندلس را بر آن داشت تا داستانی بنویسد و مسائل عصر خود را با آن دوره در قالب یک داستان عرضه کند. اما شگفت که این داستان مبنای یک تحلیل شده و جدی گرفته شود.

## ۲. سرزمین خاطره‌ها



در ایران کتابی با عنوان «سرزمین خاطره‌ها» توسط یکی از فضیلاي آن وقت حوزه با نام [آیت الله] سید علی محقق نوشته شده و توسط انتشارات نسل جوان - که زیر نظر آقای مکارم شیرازی بود - مکرر به چاپ رسید. در این کتاب ابتدا شرحی از تصرف اندلس یا همان اسپانیا توسط مسلمانان داده شده و یک مرور تاریخی سریع بر آن شده است. این بخش از منابع مختلف استفاده و نگاشته شده است.

در بخش اخیر آن، بحث از علل انحطاط اسپانیا سخن به میان آمده که تقریباً برگرفته از همان کتاب «غروب آفتاب در اندلس» است. در این بخش از نقش کلیسا و استعمار یاد شده و این که کلیسا با چه ابزاری توانست اسپانیا را از دست مسلمانان خارج کند. آنان «می‌بایست کار را از داخل شروع کنند، می‌بایست نقشه را در میان خود مسلمین عملی نمایند و آخر هم کار خود را کردند» (اندلس سرزمین خاطره‌ها، ص ۵۹). برای این کار، دست به ایجاد اختلافات داخلی زدند و مهم‌تر «اشاعه میخواری و شهوترانی در میان جوانان به وسیله ایادی کلیسا». همچنین از «بسط بی حساب مسیحیان در تبلیغات دینی و هجوم مبشرین مسیحی به اسپانیا» و نیز «بسط مناسبات بازرگانی بین مسلمانان و مسیحیان و نفوذ مسیحیان در فرهنگ مسلمانان» به عنوان عوامل انحطاط اسپانیا یاد شده است (همان، ص ۶۰).

این مطالب خلاصه همان نوشته‌ای است که طنطاوی از کتاب «غادة اندلس»



آورده و در کتابچه «غروب آفتاب در اندلس» ترجمه شده است. در جای جای این مطالب، اشاره به تکرار تاریخ و اعمال همان روش‌ها در سرزمین‌های اسلامی شده «اخیرا هم دولت‌های دیگر که دست‌پرورده همان سیمرخ پیرند، شاگرد داناتر از استاد شده و این نقش حیاتی را خوبتر بازی می‌کنند». (همان، ص ۶۵).

در اینجا اشاره به ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی است. درباره رواج فساد هم گفته شده است: «جوانانی که تا چندی قبل مواقع بیکاری برای تفریح و سرگرمی به تمرین تیراندازی و اسب سواری و شمشیر زنی و یا مباحثات علمی می‌پرداختند، به طرف این پارک‌های ملی هجوم برده و با دختران مسیحی که ماموریتی جز این نداشتند، مشغول عشقبازی شدند» (همان، ص ۷۱).

و در نهایت در نتیجه گیری اینکه «آری صلیبیان این طور سرسختانه فعالیت می‌کنند و ما مسلمانان خواب آلود هم در بسیاری از موارد عامل اجرای نقشه‌های آنان می‌شویم. فیلم‌های مسموم و شهوت انگیز آنها، جراید و مجلات مبتذل آنان، انجمن‌های فرهنگی آنها و... قسمتی از نقش شوم است» (همان، ص ۷۵).

### ۳. شهید مرتضی مطهری

این ادبیات به همین جا خاتمه نیافت و در نوشته‌های فارسی دست به دست و نقل شد. این ادبیات که روش تصرف اندلس رواج فحشا و فساد بوده، مکرر در آثار آقای مطهری هم آمده، بدون آنکه ایشان مأخذی برای آن نقل کند.

ایشان در جایی نوشته‌اند: «در تاریخ اندلس اسلامی، یعنی اسپانیای فعلی، می‌خوانیم که نقشه‌ای که مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمین کشیدند، این بود که به صورت دوستی و خدمت، وسائل عیاشی برای آنها فراهم کردند: باغها و بوستانها وقف ساختن شراب و نوشانیدن مسلمین شد.

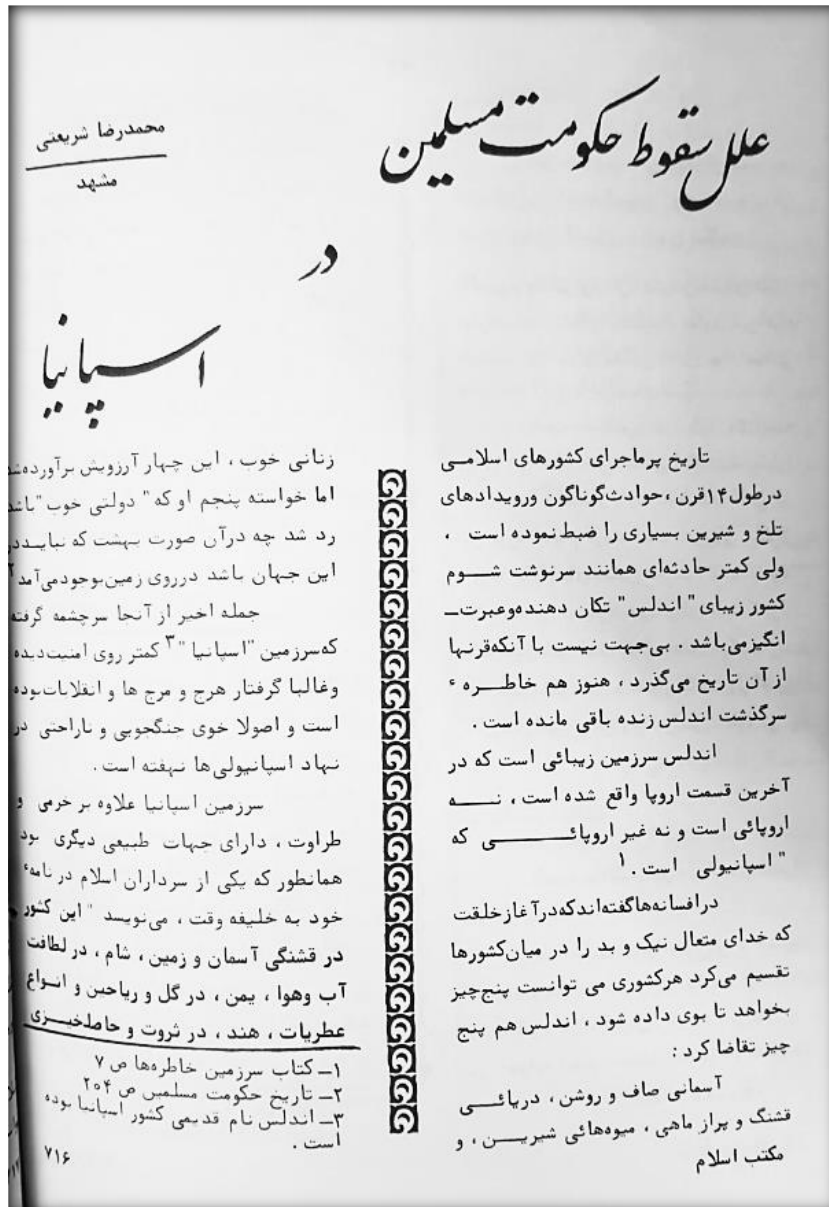
دختران زیبا و طنّاز در خیابانها به دلربایی و عاشق سازی پرداختند. سرگرمی‌های شهوانی از هر جهت فراهم شد و روح ایمان و جوانمردی مرد. پس از این جریان بود که توانستند مسلمانان را بی‌درنگ از دم تیغ بگذرانند». (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۴۰۴)

در جای دیگری هم نوشته اند: اندلس را که یکی از کشورهای قدیمی و متمدن عظیم بود، در نظر بگیرید. خیلی از حکما و ادبا و فلاسفه اسلامی از این سرزمین بوده‌اند و بعد مسیحی‌ها آن را گرفتند و هنوز مسجدهای تاریخی با عظمتی در آن وجود دارد. مسیحیت چگونه بر آنجا غلبه کرد؟ نقشه کشید و دو مسئله را در آنجا رایج نمود: یکی مسئله بی‌حجابی و دیگر مسئله مشرب‌و‌بخواری. به این طریق اقدام نمودند که دستور دادند دختران بسیار زیبای مسیحی به بهترین وجه آرایش کنند و در خیابانها گردش و رفت‌و‌آمد نمایند و در روابط با مردان آزاد باشند. نتیجه این شد که پس از چندی دلبستگی‌ها به وجود آمد و ازدواجها صورت گرفت و کم‌کم در سطوح بالا نیز این ازدواجها صورت گرفت و دیگر کار خاتمه پیدا کرد. (مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۵۴۷؛ و شرحی دیگر در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۳۰۵).

#### ۴. علل سقوط حکومت مسلمین در اسپانیا/ محمدرضا شریعتی

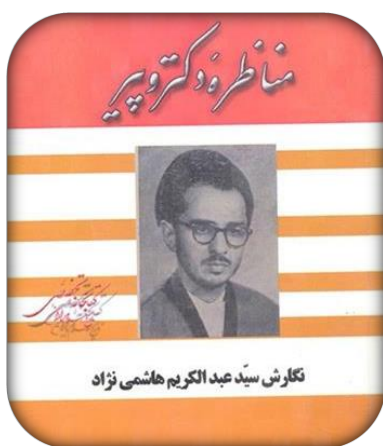
در مجله مکتب اسلام (سال ۱۷، شماره ۱۰، ص ۷۱۶ - ۱۷۸، و سال ۱۸، شماره اول و چهارم) مقاله‌ای با عنوان بالا، در سه قسمت، نوشته محمدرضا شریعتی (از مشهد) درج شده است. نخستین ارجاع آن به کتاب «اندلس سرزمین خاطره‌هاست»، و کل ماجرا، تکرار داستانی است که پیش از این درباره آن صحبت کردیم. مهم این است که وقتی این مطلب در مکتب اسلام چاپ شد، منبع و مأخذی برای منابع بعدی گردید که از آن جمله مقاله ای است که بعد از انقلاب در

مجله مشکوة منتشر شد و اشاره خواهیم کرد. بعد از انقلاب هم این گزارش مرتب مورد استفاده بوده است که از آن جمله وبسایت اسلام تایمز از طریق مجله موعود است.



۲۰ قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران

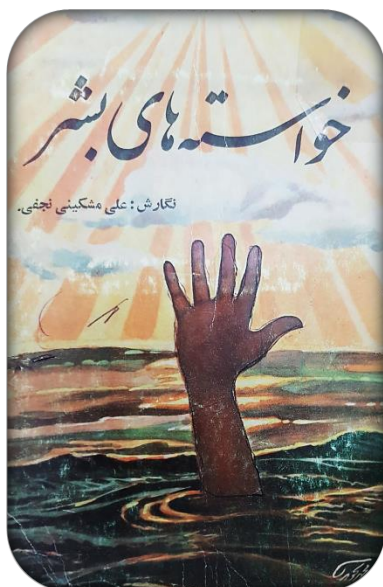
### ۵. هاشمی نژاد در مناظره و پیر



کتاب دیگری که شرح این داستان را باز بر همین اساس آورده، کتاب «مناظره دکتر و پیر» اثر مرحوم هاشمی نژاد است که به تفصیل از تمدن مسلمانان سخن گفته و به اندلس که رسیده، از داستان انحطاط آن با رواج میخوارگی و بی‌حجابی دختران نصارا و جز اینها یاد کرده است. (مناظره دکتر و پیر، صص ۳۴۵-۳۵۳) که عینا همان مطلب کتاب

«غروب آفتاب در اندلس» را آورده است. مابه عمق تأثیری که این کتاب در فضای فکری ایران و میان مذهبی‌های قبل از انقلاب گذاشت، آگاهیم.

### ۶. خواسته‌های بشر



کتابی است از علی مشکینی نجفی - شخصی جز آیت الله مشکینی معروف - که حوالی سال ۱۳۵۰ منتشر شده و بارها به چاپ رسیده است. این کتاب، در آن سالها، از منابع اهل منبر تلقی می‌شده و تقریباً به تمامی مباحثی که در طول سه دهه، در باره دین و مسائل اجتماعی و سیاسی و اخلاقی جاری بوده، توجه کرده است. در یک مورد (خواسته‌های بشر، ص ۲۹۱) نوشته است: داستان

انقلاب اندلس و برباد رفتن عزت مسلمین نیز از کنترل نکردن چشم و نگاه به دختر یک نفر مسیحی سرچشمه گرفت.

وی این بحث را با تفصیل بیشتری در انتهای کتاب دنبال کرده ضمن بحث از عوامل پیشرفت اسلام، از این که «چگونه تمدن مسلمین از دست رفت» سخن گفته است. (همان، ص ۳۸۵). آنگاه ضمن اشاره به تاریخ فتح اندلس در چند سطر، به سراغ سقوط اندلس رفته ذیل عنان «نقش برای استرداد اسپانیا» همان داستان معروف را با تفصیل در چندین صفحه آورده است.



## چگونه تمدن مسلمانان از دست رفت

۳۸۷

کمترین فایده‌اش این است که برای مسلمانان دردین خودشکی حاصل شده و در عقیده خود متزلزل می‌شوند.

**شرط دوم:** آزادی فرهنگ و تعلیم و تربیت، شما با این شرط می‌توانید مدرسه‌های مجانی باز کرده و معلمین مسیحی را وارد مدرسه کنید و بچه‌های شوم و لالابالی دردین تربیت کنید، این کار سبب می‌شود که مسلمانان طبق حس حقیقت‌ناسی بعالم مسیحیت با نظر احترام نگاه کنند، و با این وسیله حس وطن‌پرستی و دین از دل آنها می‌رود.

**شرط سوم:** آزادی تجارت، شما بدین وسیله روابط تجارتنی را محکم ساخته و در اثر رفت و آمد هم روحیه دینی آنها ضعیف می‌شود و هم اگر توانستید مشروبات الکلی را در مابین آنها رواج بدهید، و آنها را بنوشیدن الکل معتاد سازید! زیرا اگر آنها عیاشی و خوشگذرانی را عادت کردندند مجالس لهو و لعب تشکیل می‌شود و بسایر گناهان جرأت پیدامی‌کنند، و کم‌کم برای کسر مخارج شهوت‌پرستی دست به رشوه‌وزور می‌زنند، و حس سلحشوری و مردانگی از بین آنها می‌رود، آنوقت می‌توانید آنها را مانند گوسفندان برانید و مانند خر گوش شکار کنید.

**ایلد فونس** که در باطن از شهامت و مردانگی مسلمانان در ترس و هراس بود خیلی خوشحال گشت، و فردای آن روز جلسه‌ای تشکیل داده، و پاپ اعظم و دوکونیز و براق در آن جلسه شرکت کردند و صلح نامه‌ای نوشته شد، و به مالک بن عباد فرمانروای کل اندلس فرستاده شد.

مالک بن عباد از سنگر بندی شهرها و کوهها و آراستن لشکر برای جنگ با مسیحیان اروپا فارغ شده بود، و چون خبر صلح را شنید، تمام استانداران خود نامه نوشت استانداران بعد از چند روزی بایکدنیا تکبر و خود آرائی حاضر شدند بطوریکه عدی بن ابی عامر استاندار بلنسیه با صد

### ۷. میرزا علی آقای مقدس خیابانی



نویسنده دیگری که تقریباً مفصل و به طور کامل این داستان را در کتابش آورده، مرحوم میرزا علی آقای مقدس خیابانی، روحانی روشنفکر دوره رضا شاه و بعد از آن است که آثاری در بیداری جامعه ایرانی نوشت. اساس نگرش او، بازگشت به دین واقعی، و دمیدن روح زندگی و حیات نوین دینی در جامعه ایرانی بود. وی در کتاب «الایقاظ و اتمام الحجج» که برخلاف اسمش به فارسی است، ضمیمه‌ای آورده است که عیناً از کتاب

«غروب آفتاب در اندلس» گرفته و در این کتاب گذاشته‌اند. مقدمه چند سطری ایشان بر آن ضمیمه، می‌تواند دیدگاه جاری در اینجا را هم نشان دهد.

وی می‌نویسد: در موقعی که مشغول این مختصر مؤلفه بودم، به مجموعه (غروب آفتاب در اندلس) به قلم فاضل محترم آقای عبدالجواد قریب که از عربی به فارسی ترجمه کرده بودند، برخورد نموده، دیدم با همان مقدمات و حیل و دسائیس که آن مملکت بی‌نظیر را از دست مسلمین بیرون آورده‌اند، همان بساط را فعلاً در مملکت ما پهن و پخش و روحیه اهالی را از زن و مرد و جوانان و غیر جوانان مسموم و خلل‌دار نموده، نزدیک است کلیه آثار اسلام از این مرز و بوم وداع و مفارقت کرده که دیگر به هیچ وجه قابل اصلاح و استرداد نباشد. مقتضی دانستم که او را ضمیمه این مختصر نمایم، شاید قارئین محترم عبرت گرفته، در فکر اصلاح شوند. (مجموعه آثار مرحوم میرزا علی آقای مقدس، ص ۷۸۳)

۷۸۳

الایقاظ و اتمام الحججه

بسمه تعالی

﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾<sup>۱</sup>

در موقعی که مشغول این مختصر مؤلفه بودم، به مجموعه (غروب آفتاب) در (اندلس) به قلم فاضل محترم آقای عبدالجواد قریب که از عربی به فارسی ترجمه کرده بودند برخورد نموده، دیدم با همان مقدمات و حیل و دسایس که آن مملکت بی نظیر را از دست مسلمین بیرون آورده‌اند، همان بساط را فعلاً در مملکت ما پهن و پخش و روحیه اهالی را از زن و مرد و جوانان و غیر جوانان مسموم و خلل‌دار نموده، نزدیک است کلیه آثار اسلام از این مرز و بوم وداع و مفارقت کرده که دیگر به هیچ وجه قابل اصلاح و استرداد نباشد. مقتضی دانستم که او را ضمیمه این مختصر نمایم، شاید قارئین محترم عبرت گرفته، در فکر اصلاح شوند.

## ۸. تفسیر نمونه

انعکاس این مسأله در «تفسیر نمونه» هم دیده می‌شود. در مجلد چهارم، زیر عنوان «نباید به یهود و نصارا تکیه کرد»، آمده است:

«يك مکتب مي گوید از بیگانه باید برید و زمام کار خود را به دست او نداد و به کمک‌های او اطمینان نکرد، و مکتب «دیگری می گوید: در این دنیای پرغوغا، هر شخص و ملتی تکیه‌گاهی می‌خواهد، و گاهی مصلحت ایجاب می‌کند که این تکیه‌گاه از میان بیگانگان انتخاب شود، دوستی آنها با ارزش است و روزی ثمربخش خواهد بود.»

قرآن مکتب دوم را به شدت می‌کوبد و مسلمانان را از این طرز تفکر با صراحت



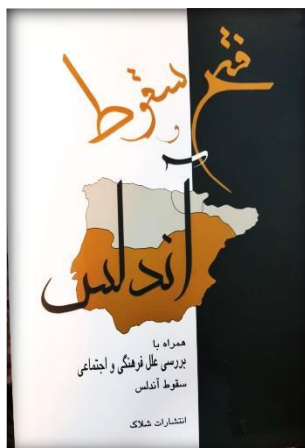
قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۲۵

و تاکید بر حذر می‌دارد، اما متأسفانه بعضی از مسلمانان، این فرمان بزرگ قرآن را به دست فراموشی سپردند و تکیه‌گاه‌هایی از میان بیگانگان برای خود انتخاب نمودند، و تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از بدبختی‌های مسلمین از همین جا سرچشمه گرفته است! «اندلس» تابلو زنده‌ای برای این موضوع است و نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان به نیروی خود، درخشان‌ترین تمدنها را در اندلس دیروز و اسپانیای امروز به وجود آوردند، اما به خاطر تکیه کردن بر بیگانه چه آسان آن را از دست دادند». (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۳-۴۱۴، مانند همین مجلد در ج ۱۴، ص ۱۵۸).

در کتاب مشکات هدایت (آیت الله مکارم، ص ۲۱۹) در همین زمینه آمده است: «در جامعه اسلامی باید امر به معروف و نهی از منکر زنده و پررنگ شود؛ زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کم رنگ شود، گناه و فساد پر رنگ می‌شود. یکی از اصول قانون اساسی اصل امر به معروف و نهی از منکر است. بعضی فکر می‌کنند که امر به معروف و نهی از منکر درگیری ایجاد می‌کند ولی اگر با برخورد صحیح و مؤدبانه باشد، درگیری ندارد. اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، جوانان آلوده می‌شوند و جوانان آلوده نمی‌توانند از مملکت و اسلام دفاع کنند و دشمن هم همین را می‌خواهد، همان گونه که در اندلس کردند و برای فتح آنجا جوانان را آلوده کردند. صدا و سیما هم باید آموزش دهد تا این فرهنگ فاسد را که فکر می‌کنند امر به معروف و نهی از منکر مخالف آزادی‌هاست، از بین برود». (و نیز بنگرید: اخلاق اسلامی، شرح خطبه متقین، ج ۱، ۲۰۶)

## ۹. فتح و سقوط اندلس

کتاب «فتح و سقوط اندلس همراه با بررسی علل فرهنگی و اجتماعی سقوط



اندلس» (شورای کتب دینی، انتشارات شلاک، ۱۳۸۷) که اساساً آیه «قد خلت من قبلکم» را در صفحه اول آورده، مبنایش بحث از مسائل فرهنگی و نقش آنها در سقوط اندلس است. البته در بخش‌هایی از کتاب، به بیان شرح حال شماری از علمای اندلس هم پرداخته است. صفحه اخیر آن، گویای مدل کاری است که او در این کتاب به آن پرداخته است.

به ضعف نشسته‌اند.

"امیرعلی" تاریخ‌نویس مسلمان حال و روز جوانان و دلبران مسلمان را چنین بیان می‌کند:

«جوانمرد یا شوالیه عرب که برای جنگ به میدان مسابقه می‌رفت، بر روی بازوهای خود علامتی مانند شکل قلب با تیری که آن را سوراخ کرده یا حرف اول اسم محبوبه‌ی خود را داغ می‌کرد و یا خالکوبی می‌نمود. این سپاهیان علناً در حضور محبوبه‌های خود برای جایزه شجاعت و دلاوری با یکدیگر مبارزه می‌کردند و اغلب با محبوبه‌هایشان می‌رقصیدند.»

دشمن برای شکست مسلمین در اندلس، به جای قهرمانان و شوالیه‌ها و جنگجویان غول‌پیکر، دختران خود را به آوردگاه مسلمین روانه کرد و به جای تیرهای کشنده با غمزه‌ی چشمان زیبارویان مسیحی به جان مجاهدان مسلمان افتاد و ترنم آوازه‌خوانان را به جای برق شمشیرهای خون‌ریز هدیه‌ی مسلمانان کرد و شراب سرخ شیرافکن را در کنار این‌ها در حلقوم مسلمین ریخت تا بدین‌سان اندلس را به حسرتی همیشگی در دل مسلمین بدل نماید.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر پیشین اسرائیل خطاب به مجلس نمایندگان امریکا گفته است:

ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای حاوی تصاویر زنان زیبا، با بدن‌های برهنه و نیمه‌برهنه و پرداختن به زندگی تجملی و البسه زیبا و صحنه‌های جنسی باعث می‌شود که کودکان ایرانی خواستار لباس‌های زیبا، زندگی تجملی و استخر و امثال این‌ها شوند و با این امر می‌توان

### ۱۰. مجله مشکوة مقاله اسلام در اسپانیا

مجله مشکوة متعلق به بنیاد پژوهشهای اسلامی در شماره ۴۴ این مجله (پاییز ۱۳۷۳)، در مقاله‌ای با عنوان «اسلام در اسپانیا» بر اساس منابع معمول تاریخی، گزارشی از فتح اسپانیا و سهم تمدنی آن نوشته و سپس ذیل سقوط حکومت مسلمین در اندلس، ضمن چند صفحه، داستان معروف در باره سقوط اندلس را طی صفحات ۱۲۰ - ۱۲۱ و بعد از آن نقل کرده است. منبع وی مقاله محمدرضا شریعتی در مکتب اسلام است.



۲- دادن امتیاز باز کردن مدارس رایگان: افتتاح مدارس و داخل نمودن مسلمین در آن مدارس با استفاده از آموزگاران مسیحی در میان آنها، جوانان مسلمان را در برابر خود خاضع کرده و با آن روح حق‌شناسی که مسلمانان برای معلم قائل هستند برای مسیحیان تفرق و امتیازی نسبت به خودشان قائل می‌شوند.

۳- گسترش روابط تجاری: تا در اثر رفت و آمد با مسلمین روحیه دینی آنها تضعیف شود و هم این که شاید بتوان مشروبات الکلی را در بین آنان رواج داد و از این طریق امور کشوری و لشکری مسلمین از هم می‌پاشد و براحتی می‌توان تشنگل آنان را برهم زد.<sup>۳۹</sup> زمامداران مسیحی که از روح شجاعت و دلاوری مسلمین سخت بی‌سناک بودند با این نقشه‌ها و پیشنهادهای براق‌بن عمار سخت مسرور گردیدند. فردای آن روز صلحنامه‌هایی به انضمام آن سه تصمیم نوشتند و برای مالک بن عبّاد فرستادند. وی که خود را برای جنگ با قوای دشمن آماده می‌کرد با دریافت این پیشنهادها استانداران خود را احضار و با آنها مشورت کرد و آنان که خصلت راحت‌طلبی بر وجودشان غلبه یافته بود به جز یک تن بقیه رضایت دادند. با بسته شدن معاهده پای کشیشان و معلمان مسیحی به کشور اسلامی باز شد و برای نخستین بار در کنار رودخانه قرطبه (پایتخت) باغ بزرگی به نام تفریحگاه عمومی احداث کردند و دختران زیبای اروپایی را هر روز در آن جا به گردش درمی‌آوردند. امرا و بزرگان مملکت و جوانان مسلمان هر روز برای تفریح و تماشای دختران زیبای مسیحی به آن باغ رفت و آمد می‌کردند و بتدریج در اثر شیوع بس‌بندوباری و شهوترانی مدارس مسلمین با انحطاط علمی مواجه شد. با افتتاح مدارس مسیحی جوانان مسلمان وارد این مدارس شدند و از طرفی براق‌بن عمار افسری به نام «شیل» را نزد مالک بن عماد فرمانروای کل اندلس برد و با تهیه مقدماتی مالک را واداشت که در پوشش تعلیمات نظامی او را وارد ارتش مسلمین کند. بالاخره سربازان اسلامی در اثر تماس با مستشاران خارجی (و خضوع در برابر آنان اندک‌اندک روح سلحشوری و اعتماد به نفس را از دست دادند.<sup>۴۰</sup>

یکی دیگر از قدمهای بزرگی که زمامداران مسیحی در اندلس برای اضمحلال حکومت مسلمین برداشتند قرار دادن مشروبات الکلی رایگان در دسترس جوانان مسلمان بود بصورتی که میخوارگی بین جوانان و دانشجویان اسلامی شیوع یافت. این مسأله باعث شد که (۶) میخوارگی که در گذشته در بین زمامداران عیاش بصورت پنهانی صورت می‌گرفت،

### ۱۱. پیام‌های آسمان، پایه نهم، اول متوسطه

داستان اندلس در کتابهای درسی هم وارد شد. در کتاب «پیام‌های آسمان» پایه نهم، دوره اول متوسطه، کتاب ش ۱۳۵ بحث در این باره آورده که تصویر آن صفحه این است.

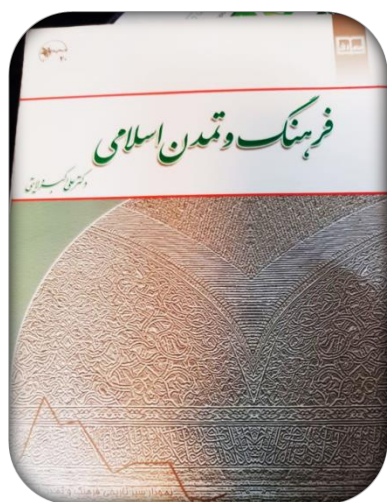
و در نهایت مسلمان می‌شدند. تحمل این وضع برای رهبران اروپایی دشوار بود. از طرفی آنها می‌دانستند با مسلمانان نمی‌توانند بجنگند، پس باید چاره‌ای می‌اندیشیدند. آنها نقشه‌ای کشیدند و نماینده‌ای به سوی حاکم آندلس فرستادند.

پیشنهاد دادند ما حاضریم برای شما مدرسه و اماکن تفریحی رایگان بسازیم و خودمان نیز بدون اینکه از شما بولی بخواهیم آنها را اداره کنیم. مسلمانان می‌توانند به صورت رایگان از این مراکز استفاده کنند. ما حاضریم با شما قراردادی برای تجارت آزاد امضا کنیم؛ یعنی بازرگانان ما و شما بتوانند هر کالایی را که دارند آزادانه به کشورهای یکدیگر ببرند و خرید و فروش کنند.

مدتی بعد، کودکان و نوجوانان مسلمان در مدارس آنان - بدون اینکه خود بدانند - تعلیمات مسیحی می‌دیدند. مراکز تفریحی آنان نیز توسط دختران و زنان بی‌حیا و آلوده‌ای اداره می‌شد که گروه‌گروه از کشورهای همسایه وارد آندلس می‌شدند و هدفشان آلوده کردن جوانان مسلمان به گناه و بی‌بندوباری بود. بازرگانان مسیحی نیز هر روز شراب‌های فراوانی را روانه مراکز تفریحی می‌کردند و جوانان - بی‌خبر از دامی که برایشان پهن شده بود - جذب این مراکز می‌شدند. همکاری‌های تجاری با مسیحیان موجب وابستگی فراوان به آنها و در نتیجه دوری از کشورهای اسلامی شد.

چند سال بعد، دیگر در آندلس نه از فرماندهان دلاور خبری بود و نه از سربازان غیور و از جان‌گدشته و فاتح. تنها چیزی که از آندلس باقی مانده بود حاکمانی وابسته، جامعه‌ای بی‌نفاوت و جوانانی سست اراده که غرق در گناه و خونسگدزانی بودند. در این بین، عده کمی هم بودند که هنوز در این بانلاق فرو نرفته بودند، اما از دست آنان کاری بر نمی‌آمد. این همان موقعیتی بود که دشمنان اسلام، سال‌های طولانی انتظار آن را می‌کشیدند. سربازان مسیحی با اولین حمله، آندلس را تسخیر کردند و پس از صدها سال دوباره مردم آن سرزمین را به زور شمشیر مسیحی کردند و هر کس هم که حاضر نشد از اسلام دست بکشد، از دم تیغ

۱۲. علی‌اکبر ولایتی و تکرار مطالب دیگران در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی



این کتاب، که اثری درسی برای درس عمومی فرهنگ و تمدن اسلامی در دانشگاه‌هاست، به همین ترتیب داستان اندلس را به عنوان بخشی از آنچه در تمدن اسلامی رخ داده، آورده است. در جایی از این کتاب نوشته شده است: مسیحیان اروپا توانستند طی برنامه‌ای طولانی مدت، تخم رخوت، بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی را در جامعه مسلمانان بپاشند و انتقام سختی از مسلمانان بگیرند.

ضربه پیروزی‌های اولیه مسلمانان در اندلس به اندازه‌ای سهمگین بود که خود پاپ شخصاً وارد عمل شد و نفوذ دینی‌اش را برای نابودی مسلمانان اندلس به کار گرفت و در این راه از اختلافات میان سرداران و حاکمان مسلمان نهایت بهره را برد. یکی از این سرداران مسلمان عرب که به مسیحیان بسیار یاری رساند، براق بن عمار است. وی در بحث و گفت‌وگوهای مختلف با سرداران مسیحی و مقامات کلیسا به آنها توصیه می‌کرد که ضمن خودداری از رویارویی مستقیم با مسلمانان، با بستن پیمان و معاهده در چند حوزه، سعی کنند تا جامعه اسلامی را از درون پوک و تهی سازند. وی به آنها گفت که باید در سه چیز پیمان ببندند: آزادی در تبلیغ دین، آزادی در آموزش به مسلمانان و آزادی در تجارت با آنها. به نظر او دو عامل نخست باعث شد که مسلمانان و به خصوص جوانان مسلمان به خاطر حس طبیعی به آموزگار، برای مسیحیان و اروپاییان نوعی برتری فکری و نژادی قائل شوند و آنها را قوی‌تر و عالی‌مقام‌تر از خود بدانند و در برابر عقاید دینی خود سست و بی‌تفاوت شوند.

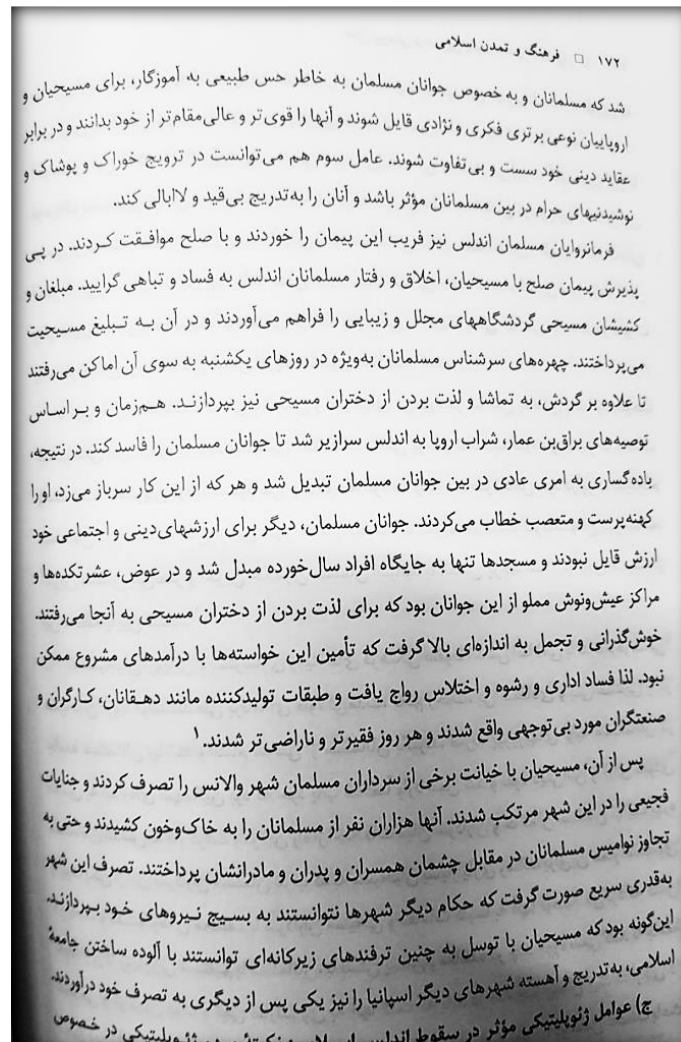
عامل سوم هم می‌توانست در ترویج خوراک و پوشاک و نوشیدنی‌های حرام در بین مسلمانان مؤثر باشد و آنان را به تدریج بی‌قید و لایبالی کند.

فرمانروایان مسلمان اندلس نیز فریب این پیمان را خوردند و با صلح موافقت کردند. در پی پذیرش پیمان صلح با مسیحیان، اخلاق و رفتار مسلمانان اندلس به فساد و تباهی گرایید. مبلغان و کشیشان مسیحی گردشگاه‌های مجلل و زیبایی را فراهم می‌آوردند و در آن به تبلیغ مسیحیت می‌پرداختند. چهره‌های سرشناس مسلمانان به ویژه در روزهای یکشنبه به سوی آن اماکن می‌رفتند تا علاوه بر گردش، به تماشا و لذت بردن از دختران مسیحی نیز بپردازند. همزمان و بر اساس توصیه‌های براق بن عمار، شراب اروپا به اندلس سرازیر شد تا جوانان مسلمانان را فاسد کند. در نتیجه باده‌گساری به امری عادی در بین جوانان مسلمان تبدیل شد و هر که از این کار سرباز می‌زد، او را کهنه‌پرست و متعصب خطاب می‌کردند. جوانان مسلمان دیگر برای ارزشهای دینی و اجتماعی خود ارزش قائل نبودند و مسجدها تنها به جایگاه افراد سالخورده مبدل شد و در عوض عشرتکده‌ها و مراکز عیش و نوش مملو از این جوانان بود که برای لذت بردن از دختران مسیحی به آنجا می‌رفتند.

خوش‌گذرانی‌ها و تجمل به اندازه‌ای بالا گرفت که تأمین این خواسته‌ها با درآمدهای مشروع ممکن نبود. لذا فساد اداری و رشوه و اختلاس رواج یافت و طبقات تولیدکننده مانند دهقانان، کارگران و صنعتگران مورد بی‌توجهی واقع شدند و هر روز فقیرتر و ناراضی‌تر شدند.

پس از آن، مسیحیان با خیانت برخی از سرداران مسلمان، شهر والانس را تصرف کردند و جنایات فجیعی را در این شهر مرتکب شدند. آنها هزاران نفر از مسلمانان را به خاک و خون کشیدند و حتی به تجاوز نوامیس مسلمانان در مقابل چشمان همسران و پدران و مادرانشان پرداختند. تصرف این شهر به قدری سریع

صورت گرفت که حکام دیگر شهرها نتوانستند به بسیج نیروهای خود بپردازند. این گونه بود که مسیحیان با توسل به چنین ترفندهای زیرکانه‌ای توانستند با آلوده ساختن جامعه اسلامی، به تدریج و آهسته، شهرهای دیگر اسپانیا را نیز یکی پس از دیگری به تصرف خود درآورند. (منبع: علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۷۱ و ۱۷۲)





قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۳۳

۱۳. وبسایت ادیان نیوز در مطلبی تحت عنوان «پشت پرده نابودی مسلمین اندلس با اشاعه فساد»

در این وبسایت، در گزارشی مفصل، و با اشاره به مسائل روز، یعنی رواج فحشا و فساد و بی‌حجابی، بیشترین استفاده را از این مسأله با مسائل جاری و روز ایران انجام داده و به صورت تطبیقی، ضمن نقل آن ماجرا، در پراکنش، اشارات روز و تطبیقات جاری را آورده است. در واقع، از این زاویه می‌توان گفت یک شاهکار است. در این متن آمده است:

«در سال ۷۱۱ م/ ۹۲ ق یک دسته از مسلمانان به رهبری طارق بن زیاد که نام وی در کلمه جبل الطارق آمده است، توانستند بخش اعظم اسپانیا را فتح کنند. اعراب قلمرو جدید خود را در اسپانیا، اندلس می‌گفتند و شهر قرطبه را به پایتختی انتخاب کردند. حکومت مسلمانان بر اندلس ۸ قرن بعد یعنی در سال ۱۴۹۱ م/ ۸۹۶ ق منقرض شد.»

اندلس شهرت‌ش مدیون کاخ‌ها، مساجد قدیمی و باغ‌هایی است که یادگار تمدن اسلامی در دوره حکومت مسلمانان در این سرزمین هستند. اندلس آن روزها تنها منطقه اروپا بود که اسلام را پذیرفته بودند و این برای اروپاییان دیگر مناطق، جای سوال بود که چگونه می‌توانند مردم اندلس را بشناسند؟؟؟

شخصی که سال‌ها در اسپانیا زندگی کرده بود، چند نشانه برای مسلمانان داد:

۱. دندان‌های سپید و درخشان (به خاطر مسواک که اروپاییان آن روزها حتی نمی‌دانستند چیست!؟؟؟)
۲. لباس‌های سپید و خوشبو... ۳. در خانه‌هایشان اتاقی است که در آن خود را می‌شویند! حالا تصور کنید اسلام به اروپایی که حتی از کمترین مظاهر تمدن چون مسواک و حمام بی‌بهره بوده چه خدماتی کرده! حالا آنها از نظر تکنولوژی کجا و ما کجائیم!؟؟؟ (عکس‌هایی زیبا از اندلس در انتها!)

حکومت مسلمین (آندلس) در اسپانیا چگونه سقوط کرد؟ مسیحیان اروپائی که در تهاجم نظامی نتوانستند حریف مسلمانان آندلس شوند، به تهاجم فرهنگی و حمله به باورهای اعتقادی و اخلاقی مسلمین (جنگ نرم) روی آوردند؛ برای این کار دست به یک سلسله اقداماتی زدند که به طور خلاصه خدمت شما عرض خواهم کرد:

پیمان صلح آشتی! (امروز شما بخوانید برقراری رابطه؟! ) قابل توجه مردم و مسئولینی که کشته مرده مذاکره و رابطه با آمریکا و غرب دادن امتیازند و عزت خودشانو با یک لقمه نان عوض می‌کنند!! پیمان صلحی با مسلمین منعقد کرده و به موجب آن امتیازاتی از قبیل موارد ذیل به مسیحیان داده شد: ۱. آزادی مذهبی ۲. آزادی تعلیم و تربیت ۳. توسعه روابط بازرگانی دشمن از این فرصت نهایت استفاده را برد و با جوانان مسلمان ارتباط مستقیم برقرار کرد.

ماموریت دختران زیبای مسیحی!! قابل توجه همه!! مسیحیان (نظر: امروز بخوانید ۱+۵ یا سازمان ملل یا شورای امنیت!) با استفاده از ماده آزادی تعلیم و تربیت به آموزش جوانان پرداخته و برای آنان تفریگاه‌هایی ترتیب دادند که دختران مسیحی با شعر و شراب از جوانان مسلمان پذیرایی می‌کردند! دختران زیبا و طناز اروپایی که در همه جا مأمور دلربایی از جوانان مسلمان بودند، با دقت هر چه بیشتر ماموریت خود را انجام داده، در نتیجه جوانان تا نیمه‌های شب در گوشه‌های مهمان‌خانه‌هایی (بخوانید پارتی‌های شبانه و مختلط!!) که میعادگاه دختران اروپایی بود، به سر می‌بردند! نظر: امروزه برای انحراف جوانان مستقیماً از دختران مسیحی استفاده نمی‌کنند!!؟؟ بلکه تصاویر آنها را با موجهای ماهواره برامون ارسال می‌کنند!! کار دیگشون اینه که دست گذاشته‌اند دو جا یکی روی غیرت ما! که نابودش کنند تا نه به دین و نه به ناموس و وطنمون تعصبی نداشته باشیم! طوری که

اگر کسی غیرت داشته باشد هزار جور متلک می‌شنود؛ متحجر، امل، خشکه مقدس و... جای دومی که دست گذاشته اند عفت و حجاب نوامیس ماست، آنها را فریب دادند تا چادر و حجابشان را کنار گذاشته و بیایند به میدان! دوشادوش مردها!! تا به عشوه گری و طنازی توی کوچه خیابونها و محل کار و کسب پردازند و مردان و جوانان ما را فاسد و گمراه کنند!

شراب!! قابل توجه همه به ویژه شرابخوارها و مسئولین خوابیده (شاید هم خودشونو به خواب زده اند!!) یکی از قدم‌های بزرگی که مسیحیان در اندلس برای اضمحلال مسلمین برداشتند، این بود که مشروبات الکلی را رایگان در دسترس جوانان مسلمان قرار دهند. یکی از کشیشان مسیحی در یک سال تمام انگورهای قرطبه (شهری در آندلس) را پیش خرید کرد و همه آنها را شراب ساخت، با خدا پیمان بست که آنها را جز به دانشجویان اسلامی و جوانان ندهد. شراب خواری که در گذشته در بین زمامداران عیاش به صورت پنهانی انجام می‌گرفت، یک عمل علنی و عمومی گردید و چون فرهنگیان و دانشجویان در این عمل پیش قدم بودند، لذا شراب خواری و میگساری نشانه تجدد و منورالفکر بودن گردید، و هر کس از این عمل اجتناب می‌ورزید، کهنه‌پرست و خرافی نامیده می‌شد.

تغییر ارزشها و پشت کردن به سنتها! قابل توجه بعضی از جوانها!! جوانان میگسار و بی‌بندوبار، روش پدران خود را حقیر شمرده، آنان را نادان، مرتجع و دور از تمدن می‌خواندند.

پوشیدن لباس مسیحیان: قابل توجه مدپرستها و راحت طلبها!! لباس ساده خود را که نشانه صبر و تحمل و کار و فعالیت و کوشش بود، از تن به در کردند و لباس حریر و دیبای اروپاییان یعنی جامه تن‌پروری را به تن کردند.

خالی شدن مساجد: قابل توجه مسئولین امور فرهنگی و مذهبی!! مسجد و

مجامع مذهبی در انحصار پیرمردان و پیرزنان درآمد و جوانان را با مسجد و نماز سروکاری نبود.

راه یافتن تجملات و خوشگذرانی به طبقه حاکم = فساد اقتصادی و حرام خواری: قابل توجه مسئولین ساده زیست که اصلاً از تجملات خوششون نمیاد!! خوش گذرانی و عیاشی شیوع یافت و همچنین رقابت در تجملات زندگی، لباس و مسکن شروع شد تا آنکه عایدات مشروع و معمولی کفاف آنها را نداد، و برانجام آرزوهای آنها قادر نبود و در نتیجه عمّال دولتی برای تأمین هوی و هوس‌های خود شروع به اخاذی و ارتشا و اختلاس نمودند و بازار فساد اخلاق رواج یافت. طبقات تولید کننده ثروت یعنی دهقانان و کشاورزان و روستاییان و کارگران و صنعتگران برای تأمین هوس‌های طبقات ممتاز، مجبور بودند بیشتر دست‌رنج خود را تقدیم نمایند. بدین ترتیب این دسته پس از مدتی فقیر و ناراضی شده و طبقات ممتاز هم بیش از پیش در لجن‌زار تن‌پروری، و فسق و فجور و شهوت‌رانی غوطه‌ور شدند.

جنگ داخلی و برادرکشی به خاطر یک دختر مسیحی! بالاخره کار شهوت‌رانی و پرده‌داری مخصوصاً در طبقه مأموران بالا گرفت و «معتصم بن صمّاح» استاندار المریا (یکی از استان‌های کشور اسلامی اندلس) عاشق دخترکی نصرانی شد و خواست او را با تهدید از پدرش بریاید. آن دختر به «جندل بن حمود» استاندار اشبیلیه (یکی دیگر از استان‌های کشور اسلامی اندلس) پناهنده شد. جندل هم لشکر فرستاد تا برای این عمل معتصم را سرکوب نمایند. در نتیجه جنگ بین این دو استاندار اسلامی درگرفت، و او که از مدت‌ها پیش از طرف زمامداران مسیحی - به شرط همکاری با آنان - وعده فرمان‌فرمایی کلّ اندلس را دریافت کرده بود، از زمامداران مسیحی کمک نظامی خواست و زمامداران مسیحی هم که از دیرزمانی

به انتظار وقوع جنگ‌های داخلی در کشور اسلامی اندلس نشسته بودند، فرصت را از دست نداده و عده زیادی از سربازان مسیحی را به یاری این فرمانده نظامی روانه کردند. با سپاهیان خود و ارتش امدادی مسیحیان به معتصم تاخت، او را کشت و قصرش را ویران نمود و به شکرانه این فتح جشن‌های باشکوهی برپا کرد.

سکوت و بی‌تفاوتی مردم و مسئولین: مردم مسلمان و مسئولین کشور اسلامی از این وقایع عبرت نگرفته، در برابر آنها ساکت نشستند.

خواص بی‌بصیرت و خائن! قابل توجه...!! چه گویم که ناگفتنش بهتر است! بالاخره به «حصین بن جعفر» استاندار نیرومند اسلامی و فرمانده لشکر والانس (یکی از استان‌های بزرگ اندلس) اطلاع رسید که نخست‌وزیر مشهور به «ابن ذی النون» با مسیحیان قرارداد محرمانه‌ای بسته که به مسلمین و مملکت خود خیانت کند و قلعه‌های والانس را تسلیم آنان نماید. حصین پس از شنیدن این خبر به پیش ابن ذی‌النون رفت تا درباره آنچه شنیده بود تحقیق نماید و هنگامی که به نزد او رفت دلائلی بر صدق آنچه شنیده بود یافت. وی هنگام ورود، دید ابن ذی‌النون با یکی از کشیشان مسیحی زیرگوشی صحبت می‌کند. ابن ذی‌النون که راز خود را کشف شده یافت و انکار را بی‌فایده دید، صریحاً به جنایت خود اعتراف کرد. و گفت: حصین بن جعفر! من دیده‌ام که زمداران مسلمان ظالم و ستمگر شده و به درددل مردم رسیدگی نمی‌کنند، علاوه بر این مسیحیان، با هفتاد و پنج هزار سرباز آماده، به ما حمله‌ورند و مسلمین در برابر آنان تاب مقاومت ندارند. حصین خشمگین شد و گفت: تو می‌خواهی شرافت و افتخار پدران ما را بر باد دهی، ولی بدان که زمامداران مسیحی به تو جزای خیانت خواهند داد، نه جزای خدمت. اما خشم حصین دیگر سودی نداشت؛ زیرا «ابن ذی‌النون» خائن، قلعه را تسلیم مسیحیان کرده بود، و سربازان آنان وارد شهر شده، آنجا را غارت کردند و مرتکب

شدیدترین جنایات شدند. مسلمانان جیون و مرده والانس هم به ناچار دست از زن و بچه خود شسته، پا به فرار گذاردند. تاریخ می‌نویسد لشکر مسیحیان در آن هنگام سیزده هزار نفر مردم مسلمان را به جرم دفاع از ناموس خود به خاک و خون کشیدند و سی هزار نفر مسلمان از مرد و زن را به جرم نپذیرفتن دین مسیح از دم شمشیر گذراندند!!! مالک بن عبّاد فرمانروای آندلس خواست با لشکر خود به طرف والانس حرکت کند ولی دید قرطبه در خطر است، به ناچار در آنجا ماند.

**عاقبت خواص بی‌بصیرت و اعتماد کننده به مسیحیان (شما بخوانید آمریکا و غرب!)** ابن ذی‌النون خائن نیز به جزای خیانت خود رسید؛ زیرا به مجرد ورود «ایلدقولنس» زمام‌دار بزرگ مسیحیان به شهر والانس، دستور داد ابن ذی‌النون خائن را آتش زدند تا مبادا به آنها هم خیانت کند. براق بن عمار، افسر خیانت‌کار اسلامی، هم «جندل بن حمود» استاندار اشبیلیه را به وعده‌های دروغین زمام‌دار مسیحی که وعده فرمانروایی کل اندلس را به او داده بودند، فریب داد و او لشکر خود را حرکت داد و به کمک سربازان مسیحی به مالک بن عبّاد فرمانروای کل اندلس حمله‌ور شدند و از اشبیلیه به طرف قرطبه حرکت نمود، ولی سربازان مسیحی به مجرد حرکت جندل از اشبیلیه آنجا را تصرف کردند، سپس جندل را به قتل رساندند. سربازان جندل که پس از به قتل رسیدن او، خود را بی‌فرمانده دیدند، به طرف اشبیلیه برگشتند، اما سربازان مسیحی اجازه ورود به اشبیلیه را به آنها ندادند و اکثر آنها را کشتند.

**فرمانروای بزدل و سقوط آندلس!** مالک بن عبّاد، فرمانروای کل اندلس هم که یاران خود را از دست داده بود، ناچار به «سرقطه» فرار کرد و در آنجا تا آخر عمر با ذلت به سر برد. زمام‌دار بزرگ مسیحی - ایلدقولنس - هم بدون هیچ‌گونه مانعی وارد قصر پادشاهی قرطبه شد و پنجاه دختر زیبا از دختران زمام‌داران اسلامی و

کاخ‌های آنان را بین افسران خود تقسیم نمود؛ مسجد قرطبه را با خاک یکسان کرد و محلاً آن را برای فحشا و فسق و فجور اختصاص داد. کتابخانه اسلامی قرطبه را که مشتمل بر بیش از هشتاد هزار جلد کتاب بود، فرمان داد تا آتش زدند و چهارهزار نفر از اهالی قرطبه را به قتل رساندند.

باز هم عاقبت اعتمادکننده به مسیحیان (شما بخوانید آمریکا و غرب!) براق بن عمار افسر، خائن اسلامی، هم به امر «دوک و نیز» یکی از زمام‌داران مسیحی به قتل رسید». (از ماهنامه موعود، شماره ۸۰، برگرفته از مکتب اسلام، سال ۱۸، ش ۴)

پیام مدیر سایت	نگارخانه	کتابخانه	مقالات بهائیت	اخبار بهائیت	صفحه اصلی
<p><b>اما سوال مهم در این روایت تاریخی آن است که حکومت مسلمان (آندلس) در اسپانیا چگونه سقوط کرد؟</b></p> <p>مسیحیان اروپایی که در تهاجم نظامی نتوانستند حریف مسلمانان آندلس شوند به تهاجم فرهنگی و حمله به باورهای اعتقادی و اخلاقی مسلمان (جنگ نرم) روی آوردند؛ برای این کار دست به یک سلسله اقداماتی زدند که به طور خلاصه خدمت شما عرض خواهم کرد:</p> <p><b>انتقاد پیمان صلح آشتی</b></p> <p>پیمان صلحی با مسلمان منعقد کرده و به موجب آن امتیازاتی از قبیل موارد ذیل به مسیحیان داده شد :</p> <p>۱. آزادی مذهبی</p> <p>۲. آزادی تعلیم و تربیت</p> <p>۳. نوسمه روابط بازرگانی</p> <p>دشمن از این فرصت نهایت استفاده را برد و با جوانان مسلمان ارتباط مستقیم برقرار کرد.</p> <p><b>ماموریت دختران زیبای مسیحی!!</b></p> <p><b>قابل توجه همه!!</b></p> <p>مسیحیان ( در شرایط امروز یغواند کلبه دشمنان اسلام ناب و حکومت اسلامی ایران ) با استفاده از ماده آزادی تعلیم و تربیت به آموزش جوانان پرداخته و برای آنان تفریگاهی تزیین دادند که دختران مسیحی با شعر و شراب از جوانان مسلمان پذیرایی می کردند!</p> <p>دختران زیبا و طنز اروپایی که در همه جا مأمور دل‌ریایی از جوانان مسلمان بودند، با دقت هر چه بیشتر ماموریت خود را انجام داده، در نتیجه جوانان تا نیمه‌های شب در گوشه‌های مهمان‌خانه‌هایی ( معادل پارتنی های شبانه و مختلط امروزی !! ) که میعادگاه دختران اروپایی بود، به سر می‌بردند!</p> <p>که البته در فضای امروز دیگر نیازی به حضور فیزیکی این مامورین نیست تصاویر وحشتناک آنها را با موجهای ماهواره برامون ارسال میکنند!!</p> <p>کار دیگر مسیحیان امروز دست گذاشته اند دو جا یکی غربت ما ! که ناپودش کنند تا نه به دین و نه به ناموس و وطنمون تعصبی نداشته باشیم! طوری که اگر کسی غربت</p>					

## ۱۴. اندلسی کردن ایران

باید اعتراف کرد که وقتی چنین اندیشه‌ای با این وسعت انتشار می‌یابد، و حتی بزرگانی مانند مرحوم مطهری آن را طرح می‌کنند، یا حتی کسانی مانند مرحوم شهید هاشمی نژاد آن را چنین گسترده مطرح می‌کنند، نباید شگفت‌زده شد که این

مطلب توسط رهبری هم مطرح شود. ایشان در این باره فرموده‌اند:

این يك سیاست اساسی است. این امر را دست کم نگیرید. بیست میلیون دلار برای مبارزه با ایران هزینه تعیین کردند. مگر می‌توان با صرف بیست میلیون دلار با ایران مبارزه و بر آن غلبه کرد؟! آنها میلیاردها دلار خرج می‌کنند و برایشان هم می‌ارزد. ایران با منابع غنی، بازار مصرف، موقعیت استراتژیک و نیروی انسانی سرشار، گنجینه‌ای است که فناوری، صنعت و کارخانجات غربی برای زنده ماندن، به آن احتیاج دارند. مغز جوان ایرانی، نفت و بازار فروش ملت ایران برای آنها حیاتی است و هدف آنها نیز همین موارد است.

سیاست امروز، سیاست اندلسی کردن ایران است! موضوعی که من با شما در میان می‌گذارم شکل موعظه ندارد؛ بلکه موضوعی اساسی است که با بهترین عناصر يك ملت - که شما جوانان باشید - در میان گذاشته می‌شود. فقط شما مخاطب من نیستید؛ این سخن را جوانان سراسر کشور هم خواهند شنید. نسل جوان کشور که بیش از نیمی از ملت و جمعیت کشور است، باید بداند در مقابل آرزوهای بزرگ، آرمانهای بلند و هدفهای مقدس و قابل قبول و موجّه او چه موانعی وجود دارد. روزگاری مسلمانان در جنوب اروپا و در اسپانیا تا جنوب فرانسه، کشوری اسلامی به وجود آوردند. این کشور مهد تمدن شد و علم در اروپا از همان تمدن اندلسی قرون اولیه اسلام شکوفا گردید. شکوفایی علم در آن سرزمین، داستان‌هایی دارد و خودِ غربی‌ها نیز به آن معترفند. البته اکنون سعی می‌کنند این ورق را از تاریخ علم حذف و نام مسلمانان را به کلی پاک کنند؛ اما خود آنها، این تاریخ را ثبت کرده‌اند و البته در تواریخ ما هم ثبت شده است.

اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه



قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۴۱

اسلام فعال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستان‌هایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راههای اصلی برای فاسد یا آباد کردن يك ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آنها همین کار را می‌کنند. البته دشمن هدف‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم دارد. هدف‌های اقتصادی‌اش معلوم است؛ برای آنها تسلط اقتصادی بر منطقه خاورمیانه حیاتی است. امروز در حال راه‌اندازی يك جنگ بزرگ در همسایگی ما و در کشور عراق هستند.

#### ۱۵. عبرت‌های اندلس در خبرگزاری فارس (۱۳۹۰/۵/۵)

گزارش مفصلی از ماجرای اندلس در خبرگزاری فارس با عنوان عبرت‌های اندلس منتشر شده که غالب آن مطالب تاریخی از مآخذ معمول بوده و تقریباً درست است، اما در بین آن اشاراتی هم به بحث فرهنگ و اخلاق با نگاه عبرتی دارد که همین حکایت داستانی مبنای آن است و این درست جایی است که از کتاب سرزمین خاطره‌ها نقل شده است:

با مروری بر تاریخ اندلس اسلامی، روشن می‌گردد که یکی از روش‌های تأثیرگذار در شکست مسلمانان به کارگیری ابزار شکننده تهاجم فرهنگی بود. این تهاجم به روش‌های زیر تحقق یافت:

القای روحیه خود باختگی: وقتی سرزمین اسلامی اندلس از هم پاشید و گرفتار حکومت‌های مستقل ملوک الطوائفی گردید، این موضوع به اوج خود رسید؛ چرا که در این زمان دولت‌های کوچک مسیحی، با یکپارچگی، نیروی محکمی را در برابر دولت‌های اسلامی تشکیل دادند و با نفوذ دادن جاسوسانشان در میان

سران حکومت اسلامی، آنان را دچار ترس و از خودباختگی در برابر سران مسیحی نمودند. از سوی دیگر توده مردم با دیدن سستی امیران و چنددستگی نیروها و دیدگاه‌ها، در پی نگهداشت زندگی عادی و آرام خود افتادند و رفته رفته روح برتری‌خواهی مسلمانان از میان رفت که «الناس علی دین ملوکهم؛ مردم بر روش پادشاهان خود هستند». آنان عملاً دچار نوعی فروپاشی سیاسی فکری شده و نیروی تهاجمی خویش علیه مسیحیان را از دست دادند. مسیحیان اندلس با تبلیغات چینش‌شده روز به روز مسلمانان را به ناامیدی، ترس و احساس شکست و خواری دچار می‌کردند. و آنگاه که روحیه‌ای برای مبارزه و تلاش مانند سال‌های نخستین فتح اندلس باقی نماند، سست و بی‌اراده گردیدند. واگذاری قرطبه و بستن پیمان ننگین صلح با مسیحیان که پیش‌تر بدان اشاره شد - نمونه‌ای بارز از این سستی روانی مسلمانان و تأثیرگذاری تبلیغات مسیحیان بود. ترویج فحشا و بی‌بندوباری: شیوه دیگر دشمن در این تهاجم فرهنگی رواج دادن انحرافات جنسی و ضعیف کردن مبانی اخلاقی مسلمانان بود که در نتیجه آن حکومت هشتصد ساله مسلمانان نابود شد. وقتی مسیحیان دریافتند که با جنگ رویارو نمی‌توان در برابر توان رزمی مسلمانان ایستاد، تصمیم گرفتند تا با گستردن دام فساد و فحشا و گسترش بی‌بندوباری، نیروی محرکه حکومت مسلمانان را که همان ایمان جوانان بود، از کار بیندازند. آنان برای تفریح و خوش‌گذرانی جوانان مسلمان پارک‌های زیبایی ساختند و دختران دلربای مسیحی را به آن پارک‌ها گسیل داشتند و از آنان به عنوان شیطان فسون‌گری برای فریب جوانان غافل مسلمان بهره بردند. دختران مسیحی در پارک‌ها می‌گشتند و با طنّازی و عشوه‌گری جوانان مسلمان را تحریک نموده، آنان را در گرداب شهوت غرق می‌کردند. در نتیجه جوانانی که تا چندی پیش، تفریحشان تمرین تیراندازی و اسب سواری و شمشیرزنی یا گفت‌وگوهای علمی بود، به سوی این جایگاه‌های

## قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۴۳

فساد و بی‌بندوباری کشیده شدند. از سوی دیگر برای گمراه کردن جوانان مسلمان، کلوپ‌های شبانه مجللی آماده کردند که در آنها دوشیزگان مسیحی به عنوان پیش‌خدمت از واردان پذیرایی می‌کردند. البته برنامه‌ریزان این توطئه برای انجام کامل هدف‌های شومشان، این کلوپ‌ها را شبانه‌روزی کرده بودند و رایگان از جوانان مسلمان پذیرایی می‌کردند. حتی یکی از کشیشان با خرید انگورهای شهر قُربطبه، شراب می‌ساخت و قسم یاد کرده بود که آن شراب‌ها را جز به دانشجویان مسلمان ندهد. پاپ هم، سالانه يك هزار «فلورین» به امر گسترش می‌خوارگی میان مسلمانان، اختصاص می‌داد و این گونه در فریب جوانان مسلمان سنگ تمام گذارد. تاجران مسیحی نیز با پرداختن به خرید و فروش انواع مسکرات به این حرکت سیاه شتاب بخشیدند و سرانجام مسیحیان توانستند با اقدام‌های یاد شده، زشتی گناه را در دید جوانان مسلمان بشکنند.

تأثیر گذاری تبلیغات مسیحیان بود. ترویج فحشا و بینه و باری ----- شیوهی دیگر دشمن در این تهاجم فرهنگی رواج دادن انحرافات جنسی و ضعیف کردن مبانی اخلاقی مسلمانان بود که در نتیجه آن حکومت هشتصد ساله‌ی مسلمانان نابود شد. وقتی مسیحیان دریافتند که با جنگ رویارو نمیتوان در برابر رزمی مسلمانان ایستاد، تصمیم گرفتند تا با گستردن دام فساد و فحشا و گسترش بینه و باری، نیروی محرکه‌ی حکومت مسلمانان را که همان ایمان جوانان بود، از کار بیندازند. آنان برای تفریح و خوش گذرانی جوانان مسلمان پارکهای زیبایی ساختند و دختران دلربای مسیحی را به آن پارکها گسیل داشتند و از آنان به عنوان شیطان فسوگری برای فریب جوانان غافل مسلمان بهره بردند. دختران مسیحی در پارکها می‌گشتند و با طناب‌زنی و عشوه‌گری جوانان مسلمان را تحریک نموده، آنان را در گرداب شهوت عرف میگرداند. در نتیجه جوانانی که تا چندین پیش، تفریحشان تمرین تیر اندازی و اسب سواری و شمشیر زنی با گفت و گوهای علمی بود، به سوی این جایگاههای فساد و بینه و باری کشیده شدند. از سوی دیگر برای گمراه کردن جوانان مسلمان، کلوپهای شبانه‌ی مجللی آماده کردند که در آنها دوشیزگان مسیحی به عنوان پیش‌خدمت از واردان پذیرایی می‌کردند. البته برنامه‌ریزان این توطئه برای انجام کامل هدفهای شومشان، این کلوپها را شبانه‌روزی کرده بودند و رایگان از جوانان مسلمان پذیرایی می‌کردند. حتی یکی از کشیشان با خرید انگورهای شهر قُربطبه، شراب می‌ساخت و قسم یاد کرده بود که آن شرابها را جز به دانشجویان مسلمان ندهد. پاپ هم، سالانه يك هزار «فلورین» به امر گسترش میخوارگی میان مسلمانان، اختصاص میداد و این گونه در فریب جوانان مسلمان سنگ تمام گذارد. تاجران مسیحی نیز با پرداختن به خرید و فروش انواع مسکرات به این حرکت سیاه شتاب بخشیدند و سرانجام مسیحیان توانستند با اقدامهای یاد شده، زشتی گناه را در دید جوانان مسلمان بشکنند. 10 رفته رفته مسلمانان در باتلاق فحشا و فساد، غوطه ور شدند و روحشان با گناه و آلودگیا عجبین گردید و پاکی و صفای خود را از دست دادند. جوانانی که روزگاری برای آموختن اخلاق و تقوا و خود سازی بر یکدیگر پیشی میگرفتند و همواره در پی شهادتطلبی و پیش برد اسلام بودند اکنون همچون بیماران، دواي درد خود را در پارکها و کلوپهای مستی و فساد و می‌خوارگی و ابتذال می‌جستند. با این حال افرادی که شب و روز به خوش گذرانی و لذت‌های جنسی عادت کرده بودند، چگونه حاضر بودند این همه لذتها را با جنگ و خونریزی عوض کنند. در نتیجه آنان موافق هر گونه حکومتی بودند که مناسب حالشان باشد و وسایل مستی و مسکرات آنان را فراهم کند. نفوذ در میدانهای آموزشی -----  
----- سومین شیوهی مسیحیان در شکست جامعه اسلامی نفوذ خزنده و گام به گام در حوزههای گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بود. بتدرید پایداری هر حکومتی به میزان توانایی نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن بستگی دارد. اگر ارتش کشوری نیرومند نباشد و سست و بناراده باشند، چنین سیاهی را پارک ایستادگی در برابر دشمن نخواهد بود. عرصه‌ی اقتصادی نیز از مهمترین شاخصهای پیروزی و کامیابی يك ملت است. از دیر باز به دلیل ارتباط تنگاتنگ زندگی مردم با اقتصاد و نقش تعیین کننده‌ی آن در پایداری ملتها و حکومتها، این موضوع همواره برای زیر فشار قرار دادن و شکست يك ملت ابزاری کار ساز بوده است. بتدرید اگر ضعف اقتصادی و

۱۶. سایت تبیان با مطلبی با عنوان: داستان تلخ اندلس اسلامی دیروز و

اسپانیای مسیحی امروز

اهمیت سایت تبیان را در انتشار اندیشه های دینی در ایران می‌دانیم و این که چه اندازه مراجعه کننده دارد. در این مطلب شرحی از فتح اندلس آمده و در ادامه، درباره از دست رفتن اندلس سخن گفته شده و از اندلسیزه کردن ایران اسلامی سخن گفته شده است. در این عبارت آمده است:

به راستی بر اندلس چه رفت؟!

گوستاو لوبون در این زمینه می‌نویسد: دشمنان با انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی‌بندوباری و بالاخره در اثر اختلافات بین زمامداران حکومت، بر مسلمانان چیره شدند و مسلمانان را به زور، وادار به قبول دین مسیح کردند. [تمدن

اسلام و عرب، ص ۳۳۵]

لوبون دو دلیل اختلافات درونی و رواج فساد را عامل سقوط اندلس می‌داند. پیرامون عامل اول اشاره به این موضوع خالی از وجه نیست که حکومت‌های کوچک محلی مسلمانان در پی درگیری‌های به وجود آمده میان بومی‌های اندلس و شامی‌ها و عرب‌های مقیم اندلس برای غلبه بر دیگری، دست یاری و نیاز به سوی حکومت‌های مسیحی دراز کردند. اختلافات و جنگ‌های داخلی در طول سالیان دراز سبب ضعف قوای مسلمین شده بود.

و اما عامل دوم: رواج فساد و فحشا

وقف تاکستان‌های بزرگ و متعدد و توزیع مشروبات حاصل از آنها به شکل رایگان در بین جوانان مسلمان و تاسیس تفریحگاه‌های متنوع از سوی صاحبان کلیسا که خدمه و کارکنان آن همگی «زیبارویان مسیحی» بودند و...، همگی عواملی‌اند که موجب ضعف اراده در میان جوانان مسلمان شد. دلیران مسلمان که به هنگام فتح اندلس با چنان ایمانی می‌جنگیدند که نوشته‌اند، کشتی‌های خود را به آتش کشیدند تا دیگر راه بازگشتی نداشته باشند، اینک در آغوش دختران زیباروی مسیحی به ضعف نشسته‌اند. (اینجا ارجاع ندارد)

حال و روز جوانان و دلیران مسلمان از زبان «امیر علی» تاریخ نویس مسلمان، خواندنی و البته افسوس خوردنی است: «جوان‌مرد یا شوالیه عرب که برای جنگ به میدان مسابقه می‌رفت، بر روی بازوهای خود علامتی مانند شکل قلب با تیری که آن را سوراخ کرده یا حرف اول اسم محبوبه خود را داغ می‌کرد و یا خالکوبی می‌نمود. این سپاهیان علنا در حضور محبوبه‌های خود برای جایزه شجاعت و دلاوری با یکدیگر مبارزه می‌کردند و اغلب با محبوبه‌هایشان می‌رقصیدند». [تاریخ

عرب و اسلام، ص ۵۴۲]

یک بررسی کوتاه: ارجاع اول به کتاب تمدن اسلام و عرب گوستاولوبون ص ۳۳۵ است. علی القاعده، مقصود، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی (چاپ ۱۳۳۴) است که درست در همین صفحه و ادامه در این باره سخن گفته شده است. گوستاولوبون، به درستی از آخرین حمله فردیناند و ضربه هولناکی که به مسلمانان وارد آمد و قتل عامی که صورت گرفت، یاد کرده، اما تا جایی که بنده دیدم، بحثی از شراب‌خواری، آن‌طور که در این عبارت آمده، یاد نشده است. (ص ۳۳۴ - ۳۴۰)

درباره قسمت نقل از امیر علی، البته او وصفی از زنان عرب درباری در اندلس دارد که اهل زینت و زیور و رقص بودند، اما بحث وی هیچ ارتباطی به نقشه مسیحیان و آمدن آنها و ایجاد مراکز فساد ندارد. مطالب در صفحه ۵۴۲ کتاب تاریخ عرب و اسلام، (مطبعة مجلس، ۱۳۲۰) آمده است.

۱۷. وبسایت بشارت: قصه پرغصه اندلس، عبرتی برای ایران امروز (نوشته:

مهاجر دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۳)

www.bsharat.ir

قصه‌ای پر غصه‌ای اندلس، عبرتی برای ایران امروز

(۹ نظر همگس و ۵) ۵ ستاره

نوشته شده توسط مهاجر دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲:۵۰

و کتاب بنامو شرح آن درد را که زخمی بزرگ بر تاریخ اسلام گذاشت و ... عبرت بگیرا

**سیاست امروز، سیاست اندلسی کردن ایران است**

با هزیمت اسلام به استیلاهای امروز و اندلس دور دوره این سرزمین، به طور کامل دگرگون گردید و مسلمانان با قدرت تمام و ایمانی تازان نابار در این کشور ماندند و با ایجاد تئوکراسی، شگراف و گسترده، با فرهنگ و تمدنی پر شکوه و حیره کننده را به بی پروا کردند.

اندلس در سال‌های پایانی قرن اول هجری فتح گردید و به یک سرزمین اسلامی تبدیل شد و پس از هشتاد سال در دست مسلمانان خارج گشت، به گونه‌ای که اکنون فقط ۲۰ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. این ظهور و غروب اسلامی در یک کشور اروپایی در برزخنده خرس ها و عزت های فراموشی برای مسلمانان امروز و به ویژه برای مردم مسلمان و انقلابی ایران می‌باشد. بدون تردید عبرت‌گیری از تجربه اندلس اسلامی می‌تواند از تکرار همه‌های تاریخ اسلامی جلوگیری کند.

اهمیت این موضوع برای جوانان مسلمان در ایران امروز، از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با ده‌ها هزار نفر از جوانان پر شور راهپایان، این چنین مورد تأکید واقع شد:

> سیاست اندلسی کردن ایران - سیاست منحصص مراکز قدرت جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در قبال نظام اسلامی است.

دشمنی طاغوت بر ملائی برای تسلط بر بخت و دیگر منابع ترویج کشورها، جاورصایه فرهنگ اسلامی را هدف قرار داده تا همچنان که

و کنون بشنو شرح آن درد را که زخمی بزرگ بر تارک تاریخ اسلام گذاشت و ...  
عبرت بگیر!

با ورود اسلام به اسپانیای امروز و اندلس دیروز، چهره این سرزمین به طور کامل دگرگون گردید و مسلمانان با قدرت تمام و ایمانی تزلزل‌ناپذیر در این کشور ماندند و با ایجاد تغییراتی شگرف و گسترده، بنای فرهنگ و تمدنی پرشکوه و خیره‌کننده را پی‌ریزی کردند.

اندلس در سال‌های پایانی قرن اول هجری فتح گردید و به یک سرزمین اسلامی تبدیل شد و پس از هشتصد سال از دست مسلمین خارج گشت؛ به گونه‌ای که اکنون فقط ۸/۰ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. این ظهور و غروب اسلامی در یک کشور اروپایی، دربردارنده درس‌ها و عبرت‌های فراوانی برای مسلمانان امروز و به ویژه برای مردم مسلمان و انقلابی ایران می‌باشد. بدون تردید عبرت‌گیری از قصه اندلس اسلامی می‌تواند از تکرار غصه‌های تاریخ اسلامی جلوگیری کند.

اهمیت این موضوع برای جوانان مسلمان در ایران امروز، از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با ده‌ها هزار نفر از جوانان پرشور زاهدان، این چنین مورد تذکر واقع شد: «سیاست اندلسی کردن ایران، سیاست مشخص مراکز قدرت جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در قبال نظام اسلامی است. دشمن علاوه بر تلاش برای تسلط بر نفت و دیگر منابع ثروت کشورهای خاورمیانه، فرهنگ اسلامی را هدف قرار داده تا همچنان که با ترویج فساد، کشور اسلامی اندلس را از داخل تهی و متلاشی کرد، جوانان ایران اسلامی را نیز به فساد اخلاقی و فکری و فرهنگی مبتلا کند و از این طریق نظام اسلامی، یعنی مرکز آگاهی‌بخش به مسلمانان و منبع ترغیب و تلاش امت اسلامی به احیای هویت و عظمت جهان اسلام را از سر راه بردارد».

بنابراین روایت قصه و غصه اندلس اسلامی برای بهره‌گیری از درس‌ها و عبرت‌های آن یکی از ضروریات امروز جامعه انقلابی ایران است که به اختصار آن را مرور می‌کنیم.

**فتح اندلس:** مسلمانان در خلال قرن اول هجری، عراق، ایران، شام، کلیه سرزمین‌های عرب، بخشی از آسیای صغیر، مصر و شمال افریقا را فتح کردند. فتوحات اسلامی، به ویژه در شمال افریقا، مقدمات ورود مسلمانان به بخشی از اروپا را فراهم ساخت.

مسلمانان عرب و بربرهای شمال افریقا که به اسلام گرویده بودند، در سال ۹۲ هجری تحت فرماندهی سردار نامی «طارق بن زیاد» که خود از قوم سلحشور بربر و یکی از افسران لایق و برجسته موسی بن نفیر، فرمانروای افریقا بود، حرکت برای فتح اندلس را آغاز کردند. در مورد تعداد سپاهیان تحت امر طارق، اقوال مختلفی مطرح شده و تعداد آنان بین هفت هزار تا دوازده هزار ذکر شده است.

مسلمانان از تنگه میان مراکش و اسپانیا - که امروز به نام سردار سپاه فاتح مسلمانان به جبل الطارق معروف است - عبور کرده و پس از ۳ سال نبرد و درگیری، سرزمین اندلس را فتح کردند. در فتح اندلس، اعراب مسلمان کمترین نقش را داشتند و مسئولیت نخستین و اصلی بر دوش بربرها و مسلمانان شمال افریقا بود.

مسلمانان در خلال سالهای نبرد (۹۲ تا ۹۶ هجری) سرزمین اندلس را از دورترین نقطه جنوب تا کوه‌های پیرنه و ساحل دریا در شمال و از مالانگا و تاراگونا در شرق تا کویمبرا و لیسبون در غرب، فتح کردند و بر دشت‌های جنوب و ارتفاعات کاستیل و نواحی خشک جوف استیلا یافتند. هیچ شهر بزرگ یا دژ مهمی را پشت سر نهندند، مگر آنکه پرچم اسلام را در آن برافراشتند و آن را ضمیمه دولت بزرگ اسلامی کردند. فتح اندلس در حقیقت معجزه‌ای بود که در سال‌های



قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۴۹

پایانی قرن اول هجری در اروپای مسیحی به وقوع پیوست. سرزمین صعب العبور و گسترده اندلس با تکیه بر قدرت ایمان مسلمانان فتح گردید و اعجاب بسیاری از مورخان را تاکنون برانگیخته است.



رفتار مسلمانان با ساکنان اندلس:

مسلمانان پس از فتح اندلس، آزادی مسیحیان و یهودیان اهل این سرزمین را تضمین کردند و با گرفتن جزیه و خراج اسلامی، آنها را در پناه خود در آوردند. مسلمانان فاتح، فقط املاک «خانواده رودریک» و افراد وابسته به آن و یا کسانی که در جنگ با مسلمانان کشته شده بودند و همچنین املاک کلیساها را غنیمت جنگی قلمداد کردند که خمس آن به عنوان سهم دولت اسلامی خارج شد و بقیه در دست صاحبان آنها باقی ماند، به شرط آنکه مالیات آن را بپردازند. مسیحیان اندلس اجازه یافتند بر اساس قوانین گذشته، امور خود را اداره نمایند و دعاوی اختلافات خود را به سبک قبل از فتح، حل و فصل نمایند. اما در دعاوی بین مسلمانان و غیرمسلمانان حق داوری با قاضیان مسلمان بود و آنها طبق قوانین اسلامی

به موضوع رسیدگی می‌کردند. رفتار اسلامی و نیک مسلمانان با مسیحیان و یهودیان موجب گردید تعداد قابل توجهی از آنها به اسلام بپیوندند.

با قدرت یافتن مسلمانان و کاهش فشار کلیسا بر روی مسیحی‌ها و ارائه راه‌حل‌های خوب و مناسب برای حل کردن مشکلات گوناگون، روز به روز گرایش به اسلام قوت یافت، تا جایی که پس از مدت کوتاهی، اکثریت غالب بومیان اندلس مسلمان شدند.

#### عمران و توسعه علم و دانش در اندلس:

از ویژگی‌های فتح سرزمین‌ها توسط مسلمانان، عدم تخریب شهرها، مزارع، پل‌ها و ... می‌باشد. در فتح اندلس عمده درگیری‌ها در خارج از شهرها رخ داد و به شهرها و تاسیسات شهری کمترین آسیب وارد گشت. پس از فتح اندلس، رشد فرهنگی در بسیاری از مناطق اتفاق افتاد و در پرتو آن، آبادانی و عمران شهرها و روستاها به وجود آمد. در دوره اسلامی اسپانیا، علم رونق یافت و روز به روز بر تعداد علاقمندان به علم و دانش افزوده گشت. به عنوان نمونه در کتابخانه کوردوبا، چهارصد هزار کتاب وجود داشت و این حجم در اندلس اسلامی در شرایطی بود که بزرگ‌ترین کتابخانه‌های اروپای مسیحی پیش از قرن دوازدهم، بیش از چندصد کتاب نداشته‌اند. اسلام در اندلس، منشا پیشرفت‌ها، شکوفایی، شکل‌گیری نظامات اجتماعی و پیشرفت و عمران این سرزمین شد و به همین دلیل با اقبال ساکنان بومی مواجه گردید.

عمل اسلامی سبب گردید اندلس به کانون علم، دانش و عزت و عظمت مسلمین تبدیل گردد و به عنوان یک مقطع درخشان، در تاریخ اسلام به ثبت برسد. مسیحیان تلاش‌های فراوانی را برای خارج کردن اندلس از دست مسلمانان انجام دادند و با توسل به شیوه‌های مختلف، متأسفانه سرانجام به این خواسته خود رسیدند.

### راهبرد مسیحیان برای سقوط اندلس اسلامی:

فتح اندلس مسیحی توسط مسلمانان برای مسیحیان بسیار گران تمام شد و بر همین اساس، فکر شکست دادن مسلمین، لحظه‌ای از سر زمامداران مسیحی خارج نگشت. شکست راهبردهای مختلف مسیحیان علیه مسلمانان، آنها را به سمت گشودن جبهه فرهنگی و ترویج فساد، فحشا و بی بندوباری سوق داد. راهبرد آن‌ها شامل سه مرحله بود:

مرحله اول: تبلیغ و ترویج افکار و اندیشه‌های مسیحیت با هدف ایجاد تزلزل در عقاید جوانان مسلمان و سست نمودن آنان در پابندی به احکام دینی.

مرحله دوم: نفوذ در امر حیاتی و مهم تعلیم و تربیت جوانان مسلمان از طریق گرفتن امتیاز باز کردن مدارس مجانی با هدف تعلیم مطالب انحرافی و القای شبهات در جوانان مسلمان.

مرحله سوم: توسعه روابط تجاری با مسلمین با هدف ترویج فساد و بی بندوباری در زمامداران و به ویژه جوانان مسلمان اندلس.

نتیجه مراحل سه‌گانه مذکور که جملگی یک راهبرد اساسی برای فروپاشی اندلس اسلامی و خارج کردن این سرزمین از دست مسلمانان بود، تخریب افکار و اندیشه‌های مسلمانان بود. وضعیت فرهنگی - اجتماعی ایجاد شده در اندلس اسلامی، این گونه در کتاب «غروب آفتاب در اندلس» تشریح شده است:

۱. میخوارگی که در گذشته در میان مردم عیاش اندلس به طور خفا انجام می‌شد، یک عمل عمومی و علنی گردید و چون طبقه تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر مردم اندلس آن روز در این عمل پیشقدم بودند، لذا شراب‌خواری و میگساری کردن نشانه تجدد و روشنفکری گردیده و هر کس از این عمل اجتناب می‌کرد، کهنه‌پرست و خرافی نامیده می‌شد.

۲. جوانان میگسار و بی‌بندوبار، روش پدران خود را حقیر شمرده و آنان را نادان و احمق و دور از تمدن خواندند.

۳. لباس ساده خود را که نشانه صبر و تحمل و کار و فعالیت و کوشش بود، از تن در آورده و لباس حماقت و تکبر و زشت سیرتان، یعنی جامه تن‌پروری را به تن کردند.

۴. مسجد و جوامع مذهبی، در انحصار پیرمردان و پیرزنان در آمد و جوانان را با مسجد و نماز سرو کاری نبود.

۵. دختران زیبا و طنناز اروپایی که در همه جا مامور دلربایی از جوانان مسلمان بودند، با دقت هر چه تمامتر ماموریت خود را انجام دادند و در نتیجه جوانان مسلمان تا نیمه‌های شب در گوشه مهانخانه‌ها به سر بردند.

استاد شهید آیت الله مطهری در کتاب «آشنایی با قرآن» قصه پر غصه اندلس اسلامی را این‌گونه شرح می‌دهد: «تاریخ بشر نشان می‌دهد که هرگاه قدرت‌های حاکم می‌خواهند جامعه‌ای را تحت سلطه خود قرار دهند و آن را استثمار کنند، تلاش می‌کنند تا روح جامعه را فاسد کنند و برای این منظور تسهیلات شهوت‌رانی را برای مردم مهیا می‌کنند و آنها را به شهوت‌رانی ترغیب می‌کنند. نمونه عبرت‌انگیزی از این شیوه کثیف، فاجعه‌ای بود که در اسپانیای مسلمان برای مسلمانان اتفاق افتاد.

مسیحیان برای خارج کردن اسپانیا از چنگ مسلمانان، از راه فاسد کردن روحیه و اخلاق جوانان مسلمان وارد عمل شدند، تا آنجا که توانستند وسایل لهو لهب و شهوت‌رانی را به سهولت در اختیار مسلمانان قرار دادند و در این کار تا آنجا پیش رفتند که حتی سرداران و مقامات دولتی را نیز فریفتند و آنان را آلوده ساختند و به این ترتیب توانستند عزم، اراده، نیرو، شجاعت، ایمان و پاکی روح مسلمین را از

قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۵۳

میان بردارند آنها را به آدم‌هایی زبون، ضعیف، شهوت‌ران، شراب‌خوار و زن‌باره مبدل کنند و پرواضح است که غلبه و پیروزی بر چنین مردمی کار دشواری نیست».

در نهایت مسیحی‌ها به نتیجه مطلوب رسیدند و فرماندهان تن‌پرور و عیاش به ظاهر مسلمان، در برابر دشمن، روح مبارزه، استقامت و پایداری را از دست دادند و برخی با مسیحیان به طور محرمانه قرار خیانت به دین و سرزمین اسلامی گذاشتند و برخی دیگر را کاری با دفاع در برابر تهاجمات دشمن نبود و از طرفی هم جوانان مسلمان که باید در هجوم به ارزش‌ها و حریم مقدس اسلام و کشور اسلامی به عنوان نیروهای بسیار کارساز وارد صحنه گردند، در اثر گناه و آلودگی بی‌تفاوت شده بودند و این چنین بود که در روز دوم ژانویه ۱۴۹۲ میلادی پس از هشت قرن، گرانادا آخرین مقر اسلامی اسپانیا، بدون خونریزی، تسلیم حکام مسیحی شد. مسیحیت پس از تسلط بر اسپانیا، شرایط سخت و دشواری را برای مسلمانان و یهودی‌ها به وجود آوردند، به گونه‌ای که یا باید به مسیحیت می‌گرویدند و یا از اسپانیا خارج می‌شدند. پس از مدتی مسیحی‌ها، تمام کسانی که سابقه مسلمانی داشتند را از سرزمین اسلامی اخراج کردند و با تمامی مظاهر اسلامی مقابله نمودند به گونه‌ای که اکنون، مسلمانان در اسپانیا فقط ۰/۸ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

#### درس‌ها و عبرت‌ها:

اهل بصیرت کسانی هستند که از حوادث تاریخی عبرت می‌گیرند و با به کارگیری عبرت‌ها، از تکرار قصه‌های پرقصه جلوگیری می‌نمایند. اگر اندلس اسلامی پس از هشتصد سال با ترویج فساد و بی‌بندوباری و تباه شدن فکر و اندیشه مسلمانان در برابر دشمنان سر تسلیم فرود آورد، اکنون با گذشت فقط ۲۵ سال از

انقلاب اسلامی، درآشنایان و دلسوزان انقلاب و در رأس آنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای، زنگ‌های خطر را برای جامعه اسلامی ایران به صدا درآورده‌اند که بدانید و آگاه باشید، دشمن در پی اندلسی کردن ایران اسلامی است. همان طور که در صدر این نوشتار اشاره شد، مقام معظم رهبری بیش از هرکس دیگر در این زمینه سخن گفته و هشدار داده‌اند. از سال‌های ۱۳۷۱ به بعد، مرتب به گشودن جبهه فرهنگی علیه انقلاب و آغاز تهاجم فرهنگی و قتل عام فرهنگی، اشاره داشته و در نهایت خلاصه کلام را در جمع جوانان پرشور زاهدانی اینگونه اظهار فرمودند: «سیاست اندلسی کردن ایران سیاست مشخص مراکز قدرت جهانی و صهیونیزم بین الملل در قبال نظام اسلامی است».

اگر در حوزه‌های هنر و ادبیات، آموزش و پرورش و آموزش عالی، سمینار و تئاتر و... گذری داشته باشیم، آنگاه مشخص می‌شود که دشمن چگونه علیه ما فعالیت می‌کند. از یک سو با به کارگیری ابزارهای فرهنگی، ایجاد تردید در باورها و اعتقادات مسلمانان ایران، به ویژه جوانان را دنبال می‌نماید و از سوی دیگر با بهره‌گیری از قدرت تکنولوژی روز همچون: ماهواره، اینترنت، نوارهای ویدئویی مبتذل، CD، مجله و... زمینه‌های ترویج اباحه‌گری و بی‌بندوباری اخلاقی را فراهم سازد و در نهایت با تشکیل باندهای سازمان یافته فساد و فحشا و ترویج شراب‌خواری، سقوط مسلمانان ایران و در رأس آنان، جوانان مسلمان را یکی پس از دیگری تحقق می‌بخشد.

حضور در خیابان‌های اصلی شهرهای بزرگ و پی گرفتن اخبار حوزه‌های اجتماعی، این وضعیت را تایید می‌نماید و اگر غفلت کنیم و از تاریخ اندلس عبرت نگیریم، چه بسا این قصه غصه‌دار تکرار گردد.

منبع: تبیان/ روزنامه عبرت‌های عاشورایی

قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۵۵

درست از همان زمانی که شبکه صهیونیستی و خانه‌برانداز فارسی وان در تاریخ ۱۰ مرداد ۸۸ فعالیت خود را آغاز کرد، بسیاری از کارشناسان حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی نسبت به محتوای برنامه‌های آن هشدار داده و خانواده‌ها را از دیدن برنامه‌های آن منع کردند. برنامه‌هایی که به اعتقاد این کارشناسان، جز براندازی بنیان خانواده‌ها، هدف دیگری نداشت....

امروز پس از دو سال از آغاز راه‌اندازی این شبکه منحرف، دیگر بر کسی پوشیده نیست که هدف اصلی گردانندگان و دست‌اندرکاران این شبکه از تأسیس آن، جز ترویج زندگی غربی و فرهنگ‌های ضددینی و گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر و خیانت همسران و انحطاط اخلاقی جامعه مذهبی ایران نیست، جامعه‌ای که تا امروز به واسطه برخورداری از فرهنگ غنی اسلامی، ایرانی، از بسیاری ناهنجاری‌های رایج در جهان غرب و گسستگی خانواده‌ها در این جوامع به دور بوده است. اصولاً هم به همین دلیل بوده که نقشه‌ها و طرح‌های دشمنان علیه نظام و انقلاب تا به امروز جواب نداده است.

غرب در ذهن تاریخی‌اش تجربه خوشایندی از شکست دادن مسلمانان در «اندلس» (اسپانیا) دارد

اندلس، آینه عبرت همیشگی برای مسلمانان است. عبرت و تجربه‌ای که در آن، سرزمین اسلامی اندلس، نه با زور شمشیر که با هجمه و شیخون فرهنگی از کف مسلمانان خارج شد. بازخوانی حادثه تلخ سقوط اندلس و غلطیدن آن به دامان غرب، ما را از افتادن دوباره در دام جدیدی که غربی‌ها برای ما پهن کرده‌اند، باز می‌دارد. هنگامی که سران مسیحی غرب و کلیسا فهمیدند که با جنگ و قوه قهریه نمی‌توانند جلوی پیشروی مسلمانان را به قلب اروپای مسیحی بگیرند، در پشت درهای بسته، پاپ، کشیش‌ها، کاردینال‌ها و اسقف‌ها با مشورت یکدیگر در

اقدامی ضد اخلاقی، حکم شرعی! ورود و نفوذ در سرزمین اسلامی اندلس را با برنامه‌ای غیر اخلاقی صادر کردند و قرار شد به بهانه تجارت، زیباترین زنان اروپایی وارد اندلس شوند.

یعنی جوان مسلمان که همیشه با شمشیر به کمر در خیابان‌ها و بازار تردد می‌کرد تا اگر اعلام جهاد شد، آماده جنگ باشد، با ورود این عروسک‌های بزک‌کرده غربی و عشوه و ناز آنان، دست و پاهایشان سست شده و شمشیرهایشان از کمرها باز شده و مصرف مشروبات الکلی و زنا و انحطاط اخلاقی تا به جایی رسید که وقتی لشکریان صلیبی پشت دروازه‌های اندلس رسیدند، دیگر کسی نبود که از حدود و ثغور اسلام دفاع کند و صلیبیون پیش از آنکه در عالم واقع این زمین‌ها را تصرف کنند، با تهاجم فرهنگی آن را تصرف کرده بودند.

غرب امروز به سرکردگی «مرداک» صهیونیست به دنبال کسب تجربه اندلس برای ایران اسلامی است و شبکه‌های خانمان براندازی چون «فارسی وان» و «من و تو» همگی برای گرفتن غیرت، تعصب، اعتقادات دینی و اخلاقی از خانواده و جوان ایرانی است و این کار را چنان پیچیده انجام می‌دهند که بسیاری از بینندگان آن، گاه متوجه اهداف شوم این شبکه‌ها نیز نمی‌شوند.

منبع: فرهنگی / بسیج دانشجویی تربیت مدرس

۱۸. عوامل شکست اندلس (پرسش و پاسخ) (روزنامه کیهان)

<http://kayhan.ir/fa/news/۶۸۳۷۴>

پرسش: چه عواملی سبب سقوط و شکست حکومت مسلمانان اندلس شد؟  
پاسخ: اندلس (نام عربی) یکی از ۱۷ بخش خودمختار کشور اسپانیا است، و پایتخت آن شهر سبیلیا یا سویل است. مسلمانان به مدت ۷۸۱ سال یعنی از سال



۷۱۱ تا سال ۱۴۹۲ میلادی بر اندلس و نقاط دیگر اسپانیا حکومت کردند. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد). «لاین پل» مستشرق انگلیسی می‌نویسد: اسپانیا ۸ قرن در دست مسلمانان بود، و نور تمدن آن اروپا را نورانی ساخته بود... علوم و ادب و صنعت فقط در همین سرزمین اروپایی رونق داشت، و از این رهگذر بود که علوم ریاضی، فلکی، گیاهشناسی، تاریخ، فلسفه و قانونگذاری، فقط در اسپانیای اسلامی تکمیل شده و نتیجه داده بود. (غزالی، اسلام و بلاهای نوین) از بین رفتن هر حکومت و تمدنی در طول تاریخ، علل و اسبابی دارد، و غروب آفتاب حکومت و تمدن بزرگ اسلامی در اندلس نیز از این قاعده مستثنی نیست. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۳۷ می‌فرماید: پیش از شما، سنتها و قوانینی وجود داشت (که هر قومی طبق اعمال و صفات خود سرنوشت‌هایی پیدا کردند که شما نیز همانند آن را خواهید داشت) پس در روی زمین سیر و سفر کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود. به طور محوری می‌توان عوامل شکست مسلمانان در اندلس را این‌گونه جمع بندی کرد:

۱. تلاش پیگیر حکومت‌های محلی مسیحیان در سرنگونی حکومت اسلامی اندلس: این حکومت‌های محلی در اثر غفلت مسلمانان با پشتیبانی کلیسا شکل گرفتند و رفته رفته سرزمین‌های مسلمانان را باز پس گرفتند.
۲. حمایت پاپ و کلیسا از جنبش‌های ضداسلامی اندلس و پیوند دادن مسئله اندلس به حیثیت مذهبی مسیحیان و بسیج کردن نیروهای مذهبی برای این کار.
۳. اختلاف‌های داخلی حاکمان مسلمان و دامن زدن دست‌نشانده‌های مسیحی به آن.
۴. تجزیه حکومت یگانه اسلامی اندلس به دولت‌های کوچک و ضعیف. این سیاست در اثر هوای نفس و خوی مقام‌خواهی برخی سران مسلمان و در نتیجه تضعیف قدرت دفاعی مسلمانان صورت گرفت.

۵. رقابت حاکمان مسلمان برای برتری‌جویی بر هم‌کیشان خود، که به ناتوانی روزافزون قدرت نظامی و دفاعی آنان انجامید.
۶. پشتیبانی نکردن جدی و مؤثر حکومت‌های اسلامی مرکزی و آفریقا از حکومت‌های ضعیف شده اندلس.
۷. خیانت کردن وزیران و زمامداران ترسو و دین فروش.
۸. نژادپرستی عرب‌ها و کوچک شمردن مسلمانان دیگر مانند بربرها و افراد بومی اندلس که به بروز شکاف و چنددستگی در صف‌های واحد مسلمانان انجامید.
۹. نفوذ مشاوران و افسران ارشد نظامی مسیحی در ارتش مسلمانان.
۱۰. کم‌توجهی مسلمانان به امور فرهنگی که به رکود دانشگاه‌های مسلمانان منجر شد و جوانان به آموزشگاه‌های مسیحی روی آوردند و سرانجام در فرهنگ مبتذل بیگانه حل شدند.
۱۱. فروش باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی به مسیحیان که به نفوذ و حضور هرچه بیشتر مسیحیان در جامعه مسلمانان انجامید.
۱۲. غفلت و کم‌کاری مسلمانان در بازرگانی و تجارت که در نتیجه افسار مسلمانان را به عنوان اهرم فشاری در دست مسیحیان گذارد.
۱۳. آزادی افسار گسیخته جوانان در مسایل اخلاقی که سرانجام بدنه فعال حکومت اسلامی را در منجلاب فساد غوطه‌ور کرد.
۱۴. گستردن دام‌های شراب‌خواری و میگساری در میان جوانان.
۱۵. نبودن محیط‌های سالم تفریحی و آموزشی برای جوانان و دانشجویان مسلمان.
۱۶. دنیازدگی دوران صلح و حاکم شدن روحیه بی‌تفاوتی و راحت‌طلبی در مردم.
۱۷. عدم نظارت بر کار روحانیون و مبشران مسیحی، که به شکل توریست و استاد دانشگاه و معلم و تاجر و غیره، آزادانه در حقیقت جاسوس کلیسا بودند.

## قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۵۹

۱۸. حضور کمرنگ فقیهان و عالمان مسلمان در نقش آفرینی آنان در جلوگیری از کج‌روی‌های جوانان.

سرنوشت ناگفتنی مسلمانان در اندلس تنها یک حادثه و اتفاق نیست، بلکه باید این قضیه را به عنوان یک مسئله حیثیتی برای مسلمانان در نظر گرفت، که سبب سرافکندگی تاریخی مسلمانان گردید.

بازخوانی داستان اندلس، مصرعی از قصیده شومی است که اربابان کلیسا در تاریکی خیال باطلشان برای همه مسلمانان سروده‌اند، قصیده‌ای که نخستین مصرع آن را به خون مسلمانان اندلس آغشته‌اند و هر بیتش را با پایان بخشیدن به زندگی مسلمانان دیگر عالم به فرجام خواهند رسانید. داستان اندلس شرح حال انسان‌های بریده از آرمان است. توصیف مسلمانان اسیر در بند شهوت و خودخواهی و کوتاه‌فکری است.

اکنون ماییم و این زمان تلخ تاریخی؛ ماییم و این همه عبرت‌های تاریخی. اکنون ماییم که فردا آیندگان درباره عملکرد ما داوری خواهند کرد که آیا مانند اندلسی‌ها عمل کردیم یا نه؟

The screenshot shows the homepage of the website 'Kamehsan' (کمیته‌سان). At the top, there is a search bar and a navigation menu. The main content area displays an article titled 'عوامل شکست اندلس (پرسش و پاسخ)'. The article text is partially visible, discussing the historical context of the fall of Andalus. On the left side, there is a sidebar with a list of related articles and categories. The website's logo, 'کمیته‌سان', is prominently displayed at the top center.

۱۹. خبرگزاری مهر و داستان فساد در اندلس برای براندازی حکومت مسلمانان

خبرگزاری مهر در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۱ در گزارشی با عنوان «داستان غمبار نابودی یک تمدن، چگونه اندلس با بی‌حجابی سقوط کرد، ابتدا شرحی در باره اهمیت حجاب در اسلام بدست داده و پس از آن با اشاره به سفر رضاشاه به ترکیه و آوردن ارمغان بی‌حجابی برای کشور، به تلاش‌های رضاشاه برای بی‌حرمت کردن شهرهای مذهبی مشهد و قم پرداخته و در نهایت، به ورود مراودات خارجی‌ها با ایران از جمله به بهانه دیدن آثارباستانی پرداخته و این‌که این امر، در شمار علل رواج و شیوع بی‌حجابی است. آنگاه می‌نویسد: در اینجا به داستان اندوهبار سقوط یک تمدن از طریق گسترش بی‌حجابی اشاره می‌شود که می‌تواند عبرت آموز باشد:

اسپانیا که در قدیم اندلس نامیده می‌شد در سال ۷۱۱ میلادی توسط مسلمین فتح شد. مسلمانان حدود ۸۰۰ سال بر آن حکومت کردند که هنوز هم آثار اسلامی و بناهای معماری اسلامی در جای جای آن به چشم می‌خورد. بارها مسیحیان بر این کشور تاختند اما مسلمانان مقاومت نمودند و آنها را شکست می‌دادند.

بعد از شکست‌های پی‌درپی مسیحیان برای غلبه بر اندلس، آنها به یک حيله فرهنگی متوسل شدند و دختران بی‌پوشش اروپایی را روانه اسپانیا نمودند. این دختران، جوانان مسلمان را فاسد کرده و کم‌کم آنها را گرفتار فحشا نمودند و این معصیت چنان سریع رواج یافت که دامن سردمداران را هم آلوده ساخت و آنگاه که درخت از داخل تهی شد یک حمله نظامی در سال ۱۴۹۲ میلادی مسلمین را از پای در آورد. صد هزار نفر کشته شدند و بقیه تسلیم شدند و زندگی نکبت‌باری را تحت حکومت مسیحیت آغاز نمودند. اینان نیز یا به تدریج کشته می‌شدند و یا به دین مسیحیت می‌گرویدند. پس از مدتی مسیحیان به آنها نیز رحم نمودند و دین آنها را تقیه حساب کرده و همه را از دم تیغ گذرانده یا به مهاجرت وادار نمودند.

بد نیست در اینجا به شیوه نابودی مسلمانان در اندلس به نقل از "گوستاو لوبون" فرانسوی پردازیم، وی می‌نویسد: در سال ۱۴۹۲ که فردیناند (رهبر نظامی مسیحیان) اسپانیا را از اعراب گرفت، در ابتدا به اعراب در زبان و مذهب آزادی داد، ولی در سال ۱۴۹۹ پیمانی را که در این باره با مسلمانان بسته بود شکست و شروع به تعدی و آزار آنها نمود و بالاخره منجر به ریشه کن کردن آنها شد، مسیحیان نخست مسلمانان را وادار به قبول کردن دین مسیحیت کردند، سپس محکمه‌های تفتیشی تشکیل دادند و به بهانه اینکه واقعا به دین مسیح در نیامده‌اند دستور سوزاندن این مسیحیان تازه وارد را دادند. و البته این کار به تدریج صورت می‌گرفت زیرا نمی‌توانستند چندین میلیون عرب و مسلمان را به یکباره بسوزانند. از این رو کشیش بزرگ یکی از شهرهای اسپانیا که در ضمن رئیس محکمه‌های تفتیش نیز بود، دستور داد تمام عربهایی که دین مسیح را نپذیرفته‌اند از پیر و جوان و زن و مرد و کوچک و بزرگ همه را گردن بزنند.

البته راهب دومینکی "بلیدا" به این هم اکتفا نکرد و دستور داد هرچه عرب هست حتی آنهایی که مسیحی شده‌اند گردن بزنند، زیرا او می‌گفت محال است اعرابی که مسیحی شده‌اند از روی حقیقت و صداقت به این دین گرویده باشند پس بهتر است همه را بکشیم تا خدا در عالم آخرت میان آنها حکومت کند و هر کدام را که به راستی به دین نصرانیت در نیامده‌اند داخل جهنم کند. اگر چه این رای را جامعه کشیشیان پسندیدند ولی دولت اسپانیا مصلحت ندید آن را انجام دهد ولی در عوض دولت در سال ۱۶۱۰ میلادی دستور داد تمام مسلمانان از اسپانیا بیرون روند و مهاجرت کنند.

چنانچه بسیاری از دانشمندان تاریخ نویس گفته‌اند از زمانی که فردیناند اسپانیا را فتح کرد تا آخرین مهاجرت مسلمانان سه میلیون نفر از نفوس اسپانیا کاسته شد و

قتل عام سان بارتلمی در برابر این کشتارهای دسته جمعی و بیرحمانه افسانه کوچکی بیش نیست.

این بود سرنوشت یک ملت قهرمان مسلمان که سالها در سایه طرفداری از دین و آیین خود به بزرگترین قدرتها رسیدند و عالی ترین نمونه های تمدن را از خود بیادگار گذاردند ولی از آن ساعتی که گناه در میان آنها شایع شد و دست از احکام مقدس اسلام برداشتند و آنها را پشت سر انداختند. اسباب نابودیشان فراهم شد و دشمن بر آنها مسلط گردید و به فجیع ترین وضع گرفتار شدند.

رضا شاه به دو شهر مذهبی قم و مشهد هم رحم ننمود. وی همسر و مادر بی پوشش خود را به قم فرستاد و مسجد گوهرشاد را در پی سخنرانی شیخ بهلول در نقد لباس متحد الشکل و اجباری، ممنوعیت لباس روحانیت و کشف حجاب به توپ بست. فرزند وی سیاست خشن پدر را از راه ورود فرهنگ مبتذل در سطح وسیعی و از طریق رادیو و تلویزیون، جراید، سینماها، برپاساختن کازینوها و کاباره ها ترویج داد و دیری نپایید که تمام نقاط کشور را متأثر آثار شوم خود نمود.

تنگنا تنگ شدن ارتباطات، مسافرت‌های خارج از کشور و افزایش مرادها و ورود بیگانگان به کشور به بهانه های مختلف از جمله رویت آثار باستانی مزید بر علت شد. البته علل دیگری را می توان برای شیوع بی حجابی در ایران جستجو نمود. اما در اینجا به داستان اندوهبار سقوط یک تمدن از طریق گسترش بی حجابی اشاره می شود که می تواند عبرت آموز باشد.

اسپانیا که در قدیم اندلس نامیده می شد در سال 711 میلادی توسط مسلمین فتح شد. مسلمانان حدود 800 سال بر آن حکومت کردند که هنوز هم آثار اسلامی و بناهای معماری اسلامی در جای جای آن به چشم می خورد. بارها مسیحیان بر این کشور تاختند اما مسلمانان مقاومت نمودند و آنها را شکست می دادند.

بعد از شکست های پی در پی مسیحیان برای غلبه بر اندلس، آنها به یک حیلۀ فرهنگی متوسل شدند و دختران بی پوشش اروپایی را روانه اسپانیا نمودند. این دختران، جوانان مسلمان را فاسد کرده و کم کم آنها را گرفتار فحشا نمودند و این معصیت چنان سریع رواج یافت که دامن سردمداران را هم آلوده ساخت و آنگاه که درخت از داخل تهی شد یک حمله نظامی در سال 1492 میلادی مسلمین را از پای در آورد. صد هزار نفر کشته شدند و بقیه تسلیم شدند و زندگی نکبت باری را تحت حکومت مسیحیت آغاز نمودند. اینان نیز یا به تدریج کشته می شدند و یا به دین مسیحیت می گرویدند. پس از مدتی مسیحیان به آنها نیز رحم ننمودند و دین آنها را تقیه حساب کرده و همه را از دم تیغ گذرانده یا به مهاجرت وادار نمودند.

## ۲۰. مستند طلوع و غروب اندلس

گزارش زیر از مستندی است که درباره اندلس در حال ساخت است و البته بخش های نخست آن، درباره ورود اسلام به اندلس و در نهایت، درباره علل زوال

تمدن اسلامی در اندلس است. تهیه‌کننده این مستند، در این باره با نسیم آنالین گفته است: «در زمان تولید مجموعه مستند «در امتداد غدیر» درباره شیعیان اروپا، سفرهایی هم به اسپانیا و پرتغال داشتیم، با توجه به تحصیلات دانشگاهی‌ام در رشته تاریخ، موضوع مسلمانان اندلس بسیار برایم جالب توجه شد، ضمن اینکه در گذشته در این باره مطالعاتی داشتم. همچنین مشاهده آثار بر جای مانده از مسلمانان در این دو کشور و گفت‌وگو با اهل تاریخ و اساتید در پرتغال و اسپانیا بسیار برایم دلچسب بود».

تهیه‌کننده مستند «در امتداد غدیر» با بیان اینکه مسئله انحطاط اندلس از مهمترین موضوعات در حوزه تمدن اسلامی به شمار می‌رود، تصریح کرد: «مستند «طلوع و غروب اندلس» به پیشنهاد معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین درباره چرایی زوال مسلمانان پس از هشت قرن حضور و حکمرانی در اسپانیا و پرتغال ساخته شده است. در این مجموعه تلاش کردیم تا جایی که می‌توانیم روایتی جامع و کامل از این هشت قرن در پیش روی مخاطب قرار دهیم. با این حال هدفمان تنها روایت صرف نبوده؛ چرا که می‌خواستیم همراه با روایت، تحلیل و آنالیز وقایع را هم داشته باشیم تا بتوانیم مخاطب را اقناع کنیم».

وی گفت: «در این مستند ۳ موضوع اساسی را مورد بررسی قرار داریم: اولین مسئله ورود اسلام به شبه‌جزیره ایبریا (اسپانیا و پرتغال امروزی) و چگونگی پیروزی مسلمانان بر ویزیگوت‌ها (ساکنان شبه جزیره در قرن هفتم میلادی) است. به عبارت دیگر یکی از مسائلی که در این مستند مورد بحث قرار گرفته دلایل استقبال مسیحیان ایبریا از اسلام و آغوش گشودن آنان به روی این دین جدید است».

جوانبخت با اشاره به مسئله دوم اظهار داشت: «دوران استقرار و تمدن‌سازی مسلمانان در اندلس دومین مسئله‌ای است که مورد بررسی قرار گرفته؛ چرا که هنوز

و بعد از گذشت سالیان طولانی، آثار بسیاری از آن دوران برجای مانده و کاوش‌های باستان‌شناسی در این دو کشور ادامه دارد».

تهیه‌کننده مستند «در امتداد غدیر» ادامه داد: «بحث زوال و انحطاط مسلمانان در اسپانیا و پرتغال سومین مسئله‌ای است که در مستند «طلوع و غروب اندلس» مورد بررسی قرار گرفته که مهمترین و اساسی‌ترین قسمت فیلم ما نیز به شمار می‌رود و تلاش کردیم این مسئله را از زوایای مختلف و به روایت اساتید شناخته‌شده تاریخ و اسلام‌شناسان اسپانیا و پرتغال مورد بررسی قرار دهیم».

وی بیان داشت: «نزدیک به ۲ سال بر روی این مجموعه ۵ قسمتی کار کرده و تلاش کردیم حتی الامکان روایتی افناعمی و موشکافانه از این دوره تاریخی کشورهای اسپانیا و پرتغال را به مخاطب ارائه کنیم؛ به همین دلیل بیش از ۱۰ نفر از اساتید تاریخ و اهل فن در این مستند درباره موضوع اظهار نظر و بحث می‌کنند».

جوانبخت تصریح کرد: «از آنجایی که می‌خواستیم روایت تحلیلی و بی‌طرفی را در قالب فیلم مستند ارائه کنیم، از هیچ استاد و مورخ ایرانی و حتی مسلمان در «طلوع و غروب اندلس» کمک نگرفته‌ایم».

تهیه‌کننده مستند «در امتداد غدیر» افزود: «از مستند «طلوع و غروب اندلس» یک نسخه ۹۰ دقیقه‌ای نیز تدوین خواهیم کرد که بعد از پخش ۵ قسمت آن از رسانه ملی، این نسخه سینمایی را در قالب دی‌وی‌دی توزیع خواهیم کرد».

وی با بیان اینکه مستندهای تاریخی طبیعتاً نخبه‌گرا هستند، گفت: «این نوع مستند، مخاطبان خاص به خود را دارد، با این حال در مستند «طلوع و غروب اندلس» همه تلاشمان را کردیم که مستند جذابیت‌های لازم را برای مخاطب داشته باشد و مطمئن هستیم که مستند می‌تواند مخاطبانی را که به تاریخ علاقمند و به دنبال آگاهی هستند، به خود جذب کند».



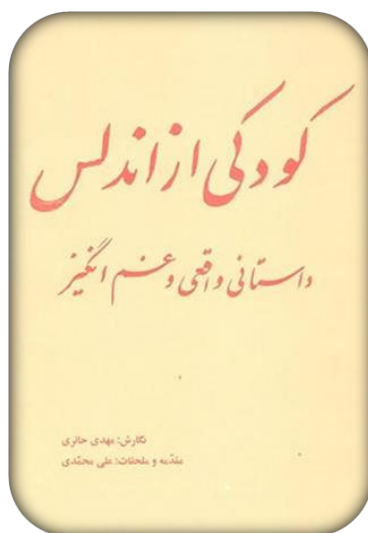
قصه‌ای درباره سقوط اندلس و انعکاس آن به عنوان «تاریخ» در ایران ۶۵

جوانبخت تصریح کرد: «در بحث زوال مسلمانان و انحطاط حکومت آنها در اندلس عبرت‌های زیادی برای جوامع اسلامی امروز وجود دارد، چرا که بدون اغراق باید گفت شباهت‌های تاریخی عجیب و زیادی در رفتارهای حکومت‌های مسلمان اندلس با سلوک سیاسی برخی از کشورهای اسلامی امروزه وجود دارد، و نکته عجیب‌تر اینکه ۱۰ قرن پیش هم حکومت‌های کوچک و بزرگ مسلمان در اندلس، برای ساقط کردن یک حکومت اسلامی دیگر دست به دامن بیگانگان و مسیحیان اروپای مرکزی می‌شدند و از این طریق به همکیشان خود خیانت کردند، مسئله‌ای که امروزه هم وجود دارد». (پایان گفتگو)

قسمت اخیر نشانگر آن است که آنچه در این مقاله مورد توجه بوده، در ذهنیت این دوستان هم وارد شده و البته باید پس از دیدن قضاوت کرد که چه کرده‌اند.

## ۲۱. کودکی از اندلس، از مقوله‌ای دیگر

پرداختن به این ادبیات در اندلس در کتابچه‌ای داستانی با نام «کودکی از اندلس»



ادامه یافت، اثری که به قلم مرحوم آقا مهدی حائری فرزند حاج شیخ عبدالکریم نگاشته و منتشر شد. در مقدمه این اثر هم به لزوم عبرت‌آموزی مسلمانان از داستان اندلس و اینکه پس از فتح آن و تسلط هشت قرن، چطور اندلس از دست رفت، تأکید شده است. به گفته وی این مسأله می‌تواند «درسی آموزنده و پند تاریخی مفیدی برای ما باشد» (کودکی از اندلس، ص ۹).

به گفته نویسنده، این داستان از متون عربی گرفته شده و پیداست که در ادبیات معاصر عربی در مصر و دیگر بلاد، نشانی از این وجود داشته است. اصل داستان، حکایت خانواده مسلمانی است که از ترس تسلط مسیحیان در اسپانیا، رو به تقیه آورده، دین مسلمانی را پنهان کرده‌اند. راوی ماجرا کودک ده ساله‌ای است که در سن ده سالگی، پدرش حکایت مسلمان بودنشان را در اتاقی که تا آن زمان او را از آن دور داشته بودند و قرآن و سجاده در آن بود، بیان می‌کند و از او می‌خواهد از ترس دادگاه‌های تفتیش عقاید که مسلمانان را می‌یافتند و می‌کشتند، مطلب را برای هیچ کس بازگو نکند. او به فرزندش گفت که ما عرب و مسلمانیم. (همان، ص ۳۲)

در اینجا پدر برای کودک خود شرح می‌دهد که چطور ما مسلمانان هشتصد سال بر اسپانیا مسلط بودیم ولی اکنون چهل سال است که وضعیت عوض شده و دشمنان مسیحی ما اینجا را تصرف کرده‌اند. پس از آن نگاه کودک به قصر الحمراء که در واقع مسجد بوده، تغییر کرده و روزها کنار آن آمده با آن گفتگو می‌کند، اما همزمان ترس از سر رسیدن مفتشان را دارد. یکبار که به خانه بر می‌گردد، پدر و مادر خود را نمی‌یابد. عمویش از راه می‌رسد و او را از راهی مخفی از اندلس خارج کرده و به مغرب می‌برد. این کودک همان محمد بن رفیع اندلسی است که بعدها در ادب و دانش به جایگاه بلندی می‌رسد. این آخرین کلمات این کتاب است و به دلیل آنکه نویسنده مأخذ داستان را نگفته، روشن نیست که آیا اساسی دارد یا خیر. گفتنی است که صد البته مسلمانان زیادی از اعراب و جز آنها در اندلس پس از سقوط تا دهها سال بلکه بیشتر پنهانی می‌زیستند. تاثیر این مسأله در ادبیات دینی معاصر ما بسیار زیاد بوده و با یک سرچ ساده می‌توان گسترش این ایده را در بسیاری از نوشته‌های عمومی دید. بسیاری از مبلغان مذهبی، در طول سالیان این مطالب را نقل کرده و به آن استناد کرده‌اند.

### یادآوری اساسی

هدف ما از طرح این مطلب، اثبات و انکار هیچ نکته‌ای درباره تاثیر فساد در جوامع اسلامی، یا اهداف غربی‌ها و قضاوت در باره مسائل جاری محل اختلاف میان دیدگاه‌های مختلف در این زمینه یا جز اینها نبوده و نیست. طبعاً اگر کسی سیر بحث را ملاحظه کند، احمقانه است اگر تصور کند، نویسنده سطور این مطالب را برای دفاع از دیدگاه خاصی درباره غرب یا شرق یا تأثیر فساد و جز اینها عنوان کرده است. هدف بنده به عنوان یک علاقمند به رشته تاریخ، نشان دادن این نکته به دانشجویان تاریخ بود که چطور یک حکایت و داستان تبدیل به تاریخ و حقیقت تاریخی می‌شود.

یادآوری کنم که توجه به این موضوع و برخی از نشان‌ها و نشانه‌ها را مدیون دوست دانشمند جناب آقای دکتر حسین توفیقی هستم. نیز بیفزایم که آقای آیت الله سید علی آقای محقق، روز جشن بیست سالگی کتابخانه تاریخ، وقت رفتن، به بنده گفتند، فرضاً که تمام صحبت‌های شما درست باشد، اما اشکال من این است که پس دلیل سقوط اندلس چه بوده است؟ عرض کردم، نوشته بنده، ارتباطی با این سؤال ندارد. این سوال خوبی است و باید در جای دیگری دنبال آن گشت. به طور معمول تفرقه میان مسلمانان و تبدیل حکومت آنان در آن ناحیه به نوعی حکومت ملوک الطوائف، که قرن‌ها با یکدیگر جنگ داشتند، را عامل سقوط می‌دانند.

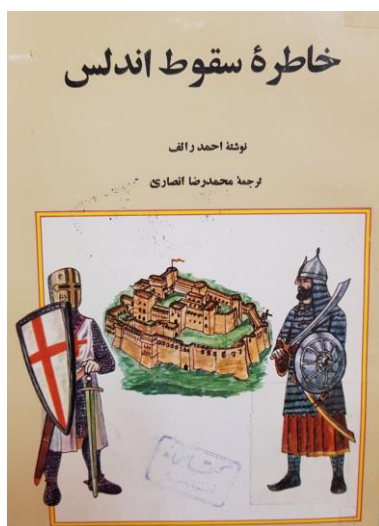
### دو نکته

#### علل واقعی سقوط اندلس ...

اما این که علل واقعی سقوط اندلس در چیست؟ در این زمینه مقاله ای از محمد رضا شهیدی پاک، نوشته شده که ضمن آن با مرور بر تاریخ اندلس، به عوامل

سقوط اشاره کرده و البته از امویان تا پایان این دوره را مدنظر داشته و علل کلی و جزئی را که در منابع بوده، فهرست کرده است. جالب است که وی اشاره‌ای به فضایی که مرور شد، ندارد و اثباتا و نفیا چیزی درباره آن ننوشته است. در منابع وی هم به آثاری که پیش از این یاد شد و در فارسی این روال را ایجاد کرده بود، نشده است. (پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال اول، شماره یکم، بهار ۱۳۹۰)

«و تذکرو من الاندلس الابداه» یک اثر تاریخی - داستانی دیگر در باره اندلس کتابی هم با نام «و تذکرو من الاندلس الابداه» از احمد رائف، که به نام «خاطره سقوط اندلس» (توسط محمدرضا انصاری) به فارسی درآمده (امیر کبیر، ۱۳۷۰)، ضمن اینکه گزارش تاریخی است، اما تقریبا بلکه تحقیقا اثری ادبی برای اثرگذاری است. این کتاب، ارتباطی به بحث «غادة الاندلس» ندارد، اما خودش یک غادة الاندلس دیگری است که کوشش کرده گزارش‌های کوتاه تاریخی را در قالب گفتارهای بلند و حتی به صورت گفتگو و حکایت نقل کند. (الزهراء للاعلام العربی، ۱۹۹۱)



### تمدن اصیل و پویا بر محور شفافیت علم و دانش خواهد بود

مطلبی که در این رساله گذشت، موضوع سخنرانی بنده در محفلی از پژوهشگران بود، و چنان که اشارت رفت، هدف آن بود که دوستان اهل پژوهش و دانشجویان تاریخ بدانند که چگونه یک باور تاریخی نادرست، می‌تواند تا عمق یک فرهنگ نفوذ کند. طبعاً وقتی اصالتی ندارد، تمدن برپا شده روی آن هم اصیل نخواهد بود. همان‌جا، نکات زیر را به عنوان مقدمه بیان کردم و روی کانال تلگرامی خودم هم گذاشتم.

اگر ما وفادار به حقیقت هستیم، باید راه رسیدن به آن را هم طی کنیم، راهی که بسیار دشوار است، و بخشی از این دشواری، مربوط به اصطلاح ذهنیت‌های نادرست، فریبکارهای مصلحت‌آمیز، بی‌دقتی‌های عمدی، ناتوانی در تحقیق، تنبلی در پژوهش و بسیاری از امور دیگر است، اموری که سبب می‌شود ما از حقیقت باز مانیم. صد البته که حقیقت محض در برخی از حوزه‌ها، تعرف دقیقی ندارد، و بشر فعلی قادر به درک درست و کامل آن، نه، اما همین اندازه که تلاش کنیم در چهارچوب روشهای معقول جاری، به حقیقت برسیم و در پی آن باشیم، کافی است. کاری که مجتهدان هم در فقه آن را انجام می‌دهند و می‌گویند حتی اگر نظرشان خطا باشد، چون اجتهاد کرده‌اند، ثواب می‌برند.

اگر جامعه، بر اساس روشهای ضد حقیقت جویی پیش برود، و فاقد شفافیت علمی باشد، عمداً یا سهواً، هاله‌ای گرد و غبار در اطراف حقایق کشیده شده و این امر جز رواج افکار باطل و فرورفتن در تباهی و فساد و گمراهی در تصمیم‌گیریها، چیز دیگری به همراه ندارد. این کاری است که ما اغلب انجام می‌دهیم.

در این میانه، «علم» ابزار رسیدن به «حقیقت» است و نبودن علم و دانش اصیل در جامعه، در هر بخش، از علوم طبیعی و دقیقه‌بگیر تا علوم انسانی و اجتماعی،

یکی از اصلی‌ترین دلایل ضعف فرهنگ و طبعاً شکست تمدنی است که بر پایه این فرهنگ بنا شده است. ما وظیفه داریم، علم اصیل را دنبال کنیم و بیهوده شبه دانش را، دانش معرفی نکنیم.

تقویت روش‌های تحقیق، تفاوت میان آن روشها، بالا بردن سطح مهارت‌های پژوهشی در جامعه علمی و آشنا کردن مداوم دانشجویان رشته‌های مختلف با روش تحقیق، و پرهیز دادن آنها در ارجاع به منابع غلط، یکی از اساسی‌ترین کارهایی است که باید صورت گیرد.

کم کردن روش‌های خطابی در طرح مسائل بنیادین فکری در جامعه، و تکیه کردن روی روشهای برهانی و استدلالی، یکی از کارهایی است که باید حتی در سطح فرهنگ عمومی انجام دهیم تا از عوارض بی‌دقتی دور بمانیم.

وجه دیگر کار، مبارزه با خرافات است، مبارزه‌ای که یکی از وجوه اصلی رفتن به سمت حقیقت است. جامعه‌ای که با خرافات سروکار دارد، نمی‌تواند به تمدنی اصیل و واقعی برسد. فرهنگ که اساس تمدن است، باید پیراسته باشد، و در آن صورت است که می‌تواند زاینده تمدنی درست و اصیل باشد.

بشر از قدیم، در پی رسیدن به حقیقت بوده و این سوال که حقیقت چیست، مهم‌ترین سوال فلسفی بشر در کاوش‌های علمی و منطقی اوست. اساساً دانش منطقی، برای این امر طراحی شده است که روش فکر کردن را به آدمی بیاموزد. بحث صناعات خمس به ما یاد می‌دهد که گزارها از نظر نزدیکی شان به امر قیاس، به برهان، جدل، سفسطه، خطابه و شعر تقسیم می‌شود. دقیق‌ترین مطالب آن است که به قیاس که در منطق صوری، شامل چندین مدل از اقامه برهان و صغری و کبرا است، نزدیک باشد. بعد از ارسطو هم فیلسوفان زیادی تلاش کرده‌اند تا راه دستیابی به حقیقت را نشان دهند. در دنیای ما، ابزارهای فراوانی برای این کار

فراهم شده و آموزش‌های زیادی در این جهت داده می‌شود که بیشتر ما از آن روشها دور و نسبت به آنها غافلیم.

بحث تقسیم علوم و مراتب آن، در قدیم و جدید، بر پایه واقع‌نمایی است. علمی اصیل هستند که آسان تر و دقیق تر بتوانند ما را به حقیقت برسانند. ریاضیات اگر اعتباری دارد، به خاطر این است که دروغ و تحریف و اشتباه در آن راه ندارد و قضایای آن جدی است. باقی علوم و دانایی‌ها تا چه اندازه مثل ریاضی خواهد بود و ما چگونه می‌توانیم چنین اطمینانی به آنها داشته باشیم. این کاری است که باید انجام دهیم. هیچ چیز شاید ریاضی نشود، اما باید حداکثر تلاش را برای رسیدن به حقیقت کرد.

وظیفه عالمان جامعه جلوگیری از رواج خرافات است، کاری که اغلب به عکس انجام شده، و شماری از آنان در ترویج خرافات آن هم بر اساس اصل عوام‌زدگی - چنان که شهید مطهری یادآور شده - بیش از نادانان، فعالیت می‌کنند. این روش، غالباً فریبکارانه انجام شده و برای جلب منافع مادی از مردمانی است که در ازای این رفتار، سیل کمک‌های خود را به نام دین و مذهب، تقدیم آنان می‌کنند. پس چرا نباید آنها چنین رفتاری داشته باشند؟ این در حالی است که عالم باید در برابر بدعت، که خرافات مهم‌ترین مصداق آن است، بر اساس نص رسول (ص) علم خویش را آشکار کند.

در حال حاضر که بحث‌های تمدنی در ایران جدی تر طرح شده، طبیعی است که وظیفه مراکز پژوهشی ما آن است که حقایق را در اختیار مردم بگذارند و آنان را از خرافات دور کنند.